

با تدبیر مسئولین، برای کاستن از اضطراب کتکور، غول کتکور، با نقاب بزک‌شده **امتحان نهایی**، به سال دهم هم اصابت کرد. خدا قوت! تا پیش از این، دست کم، برای بچه‌های سال دهم، کلاس ادبیات، جایی بود که برای لحظاتی، آنها را از دغدغه شیمی و عربی و حساب و هندسه رها می‌کرد و با بردنشان به دنیای جادویی ادبیات، لحظات شیرینی برایشان رقم می‌زد: با آمیزه‌ای از شوق و خشم، شعرهای فصل ادبیات مقاومت را زمزمه می‌کردند که «هم مرگ بر جهان شما نیز بگذرد...» و معلم هم با لبخندی بر گوشه لب، یادآوری می‌کرد که بچه‌ها! تازه بعضی بیت‌های این قصیده حذف شده:

«آن کس که اسب داشت، غبارش فرونشست / گردِ سیمِ خرانِ شما نیز بگذرد»

بگذریم، ...

پس از برگزاری آزمون سراسری کشوری در سال ۱۴۰۲ و امتحان نهایی خرداد ۱۴۰۳ در پایه دهم، تصمیم گرفتیم کتاب را به حال و هوای این دو امتحان نزدیک‌تر کنیم تا بچه‌های سال دهم، بیشترین نمره ممکن را از درس فارسی دهم بگیرند.

ساختار کتاب این کتاب را به این نیت نوشتیم که تمام نیازهای یک داوطلب را برای امتحان نهایی برطرف کند. با اطمینان می‌توانیم بگوییم که هیچ نکته‌ای در امتحان نهایی مطرح نشده مگر آنکه به تفصیل در این کتاب به آن پرداخته‌ام. تعداد فراوان سؤالات این کتاب، شاهدهی است بر این مدعا.

کتاب پرسؤال ۱- درسنامه: در آغاز هر درس چهار جدول قرار داده‌ام:

الف) جدول واژه‌های اصلی: شامل لغت‌هایی است که در آن واژه‌نامه انتهای کتاب برای هر درس آمده است. اغلب سؤالات مربوط به لغت از واژه‌های اصلی می‌آید.
ب) جدول واژه‌های فرعی: گاهی لغت‌های مهمی در درس هست که در واژه‌نامه نیامده، بنابراین یک جدول برای این لغت‌ها در نظر گرفته شد. سابقه آمدن لغت‌های خارج از واژه‌نامه (واژگان فرعی) در امتحان نهایی بسیار کم است، اما محض احتیاط این‌ها را هم گذاشتم.

ج) جدول واژگان مهم املائی: لغات مهم املائی هر درس به ترتیب الفبا در سومین جدول ابتدای درسنامه آمده. سعی کردم هر واژه‌ای که ارزش املائی دارد در این جدول بیاید.

د) جدول واژگان هم‌آوا: لغت‌هایی که هم‌آوا هستند (مثل: صواب و ثواب)، از نظر املائی فوق‌العاده مهم هستند و احتمال مطرح شدنشان در امتحان نهایی، بسیار زیاد است. بنابراین چهارمین جدول ابتدای درسنامه‌ها، برای این واژه‌ها در نظر گرفته شد: یعنی هر واژه‌ای که در درس هست و هم‌آوا دارد، به همراه هم‌آوا و معنای آن در این جدول آمده است.

پس از جدول‌های چهارگانه، سطر به سطر و بیت به بیت کتاب درسی آمده است و هر کدام از این سطور و ابیات را براساس قلمروهای سه‌گانه فکری، ادبی و زبانی بررسی کرده‌ام. در این بخش برای اجتناب از زیاده‌گویی و درازنویسی، سعی کردم فقط به مواردی بپردازم که در قلمروهای درس به آن‌ها اشاره شده است. مثلاً اگر در قلمرو زبانی یک درس به مبحث «حذف فعل» پرداخته شده، من هم در تحلیل زبانی درس بیشتر به همین موضوع پرداخته‌ام.

۲- کارگاه متن پژوهی: پس از درسنامه، به همه سؤالات کارگاه متن پژوهی پاسخ داده‌ام. علاوه بر آن، تمامی ابیات کارگاه را، از نظر زبانی، ادبی و فکری بررسی کرده‌ام تا اگر از این ابیات، سؤال جدیدی طرح شد، بتوانید به آن پاسخ دهید، طرح سؤال جدید از ابیات کارگاه‌ها، در امتحان نهایی سال دوازدهم سابقه دارد، پس دیر یا زود به سراغ سال دهم هم خواهند آمد!

۳- سؤالات امتحانی: سؤالات این بخش براساس سه قلمرو زبانی، ادبی و فکری تقسیم شده است. برای آشنایی با سلیقه طراحان، علاوه بر امتحان نهایی ۱۴۰۲، از سؤالات امتحان نهایی نظام قدیم هم استفاده کرده‌ام. علاوه بر این‌ها، سعی کردم از هیچ نکته مهم دیگری بدون طرح سؤال عبور نکنم. بدین شکل به جرات می‌توان بگویم غنی‌ترین و مفیدترین بانک سؤالات مربوط به فارسی دهم در اختیار شماست.

۴. سؤالات بیست‌ساز: در این بخش براساس مفاهیم و مباحث موجود در درس، سؤالاتی خارج از کتاب درسی طرح کرده‌ام تا هم توانایی خود را در فضای خارج از درس محک بزنید و هم اگر در امتحان نهایی پیش‌رو، سؤالی خارج از کتاب طرح شد، آمادگی پاسخ‌گویی به آن را داشته باشید.

۵. پاسخ‌نامه: در بخش پایانی کتاب پرسؤال، به تمامی سؤالات مطرح‌شده در کتاب، پاسخ کاملاً تشریحی داده‌ام. علاوه بر آن، هر جا که نیاز بوده و در خلال پاسخ‌ها با عناوینی همچون «یادآوری» و «توجه»، به نکات مربوط به دستور، آرایه، املا و حتی چگونگی پاسخ‌نویسی در امتحان نهایی نیز پرداخته‌ام.

کتاب کاربرگ امتحانی ۱- آزمون‌های فصلی: آزمون‌های فصلی را به سبک و سیاق امتحان نهایی طراحی کردم: همچنین سعی کرده‌ام تمام نکات مهم و امتحان‌خیز هر فصل، در قالب این آزمون‌ها بیاید. بنابراین پس از خواندن هر فصل، یک امتحان نهایی در حد همان فصل در انتظارتان است.

۲- آزمون‌های جامع: پس از آزمون‌های فصل به فصل، شش آزمون جامع قرار داده‌ام. از این شش آزمون، دو آزمون تألیفی برای نیم‌سال اول، دو آزمون تألیفی برای پایان سال، شبه‌نهایی برگزار شده در اردیبهشت ۱۴۰۳ و یک آزمون نهایی است: خرداد ۱۴۰۳. حتماً پس از مطالعه کل کتاب به این آزمون‌ها بپردازید.

کتابچه خلاصه کپسولی با هدف جمع‌بندی، یک کتابچه کاربردی و موضوعی، ضمیمه کتاب قرار داده شده: موضوعات این کتابچه کار راه‌انداز شب امتحانی، موارد مهم و ضروری با محوریت این موضوعات است: ۱- معنی واژه ۲- املا ۳- دستور زبان ۴- آرایه‌های ادبی ۵- تاریخ ادبیات ۶- مفهوم و درک مطلب

قدردانی آشنایی و دوستی با برخی از همکارانم در این انتشارات، بزرگ‌ترین موهبتی است که از رهگذر نوشتن این کتاب نصیبم شد. دوست قدیمی و مشاور کاردان مؤسسه هومان، آقای محمّد جواد حیدر، سلسله‌جنبان و مشوق بنده در نوشتن این کتاب بودند. آقای امیر محمدبیگی مدیر تألیف کاربلد این کار بودند: بخش مهمی از ساختار کتاب و چند و چون آن، حاصل خلاقیت‌های آقای محمدبیگی و آقای حیدر است. از هر دو بزرگوار کمال تشکر را دارم. خانم‌ها سمانه احمدوند و غزاله محمدی به‌عنوان ویراستاران کار، زحمت زیادی کشیدند. از جناب استاد مرتضی قشمی که کل کتاب را با دقتی تحسین‌برانگیز مطالعه کردند و پیشنهادهای ارزشمندی دادند و همچنین از سرکار خاتم مهشید بشیری مسئول پروژه دلسوز و زحمت‌کش، صمیمانه سپاسگزارم. زیبایی ظاهری کار محصول خلاقیت دوستانم در واحد تولید است. بدخطی‌ها، قلم‌خوردگی‌ها و علامت‌های عجیب و غریب من را تحقّق کردند و کار را این‌چنین آراسته به سرانجام رساندند. حسن ختام این مقدمه، قدردانی از این عزیزان پشت صحنه است. امیدوارم خوانندگان کتاب، همکاران و دبیران عزیز، پس از مطالعه کتاب، من را از نقدهای خود محروم نکنند تا چاپ‌های بعدی کتاب، آراسته‌تر عرضه شود.

به کوی میکده، گریان و سر فکنده روم / چرا که شرم همی آیدم ز حاصل خویش

فهرست

ستایش: به نام کردگار



درس نامه ۶
سؤالات امتحانی ۹
پاسخ نامه ۲۳۴

درس اول: چشمه / پیرایه خرد (گنج حکمت)



درس نامه ۱۳
سؤالات امتحانی ۲۰
پاسخ نامه ۲۳۵

درس ۲: از آموختن، ننگ مدار / دیوار (روان خوانی)



درس نامه ۲۷
سؤالات امتحانی ۳۵
پاسخ نامه ۲۳۷

درس ۳: پاسداری از حقیقت / دیوار عدل (گنج حکمت)



درس نامه ۴۱
سؤالات امتحانی ۴۶
پاسخ نامه ۲۳۹

درس ۵: بیداد ظالمان / همای رحمت (شعرخوانی)



درس نامه ۵۳
سؤالات امتحانی ۵۹
پاسخ نامه ۲۴۲

درس ۶: مهر و وفا / حقه راز (گنج حکمت)



درس نامه ۶۶
سؤالات امتحانی ۷۱
پاسخ نامه ۲۴۴

درس ۷: جمال و کمال / بوی گل و ریحان ها (شعرخوانی)



درس نامه ۷۷
سؤالات امتحانی ۸۲
پاسخ نامه ۲۴۶

درس ۸: سفر به بصره / شبی در کاروان (گنج حکمت)



درس نامه ۸۹
سؤالات امتحانی ۹۵
پاسخ نامه ۲۴۸

درس ۹: کلاس نقاشی / پیرمرد چشم... (روان خوانی)



درس نامه ۱۰۱
سؤالات امتحانی ۱۰۸
پاسخ نامه ۲۵۰

درس ۱۰: دریادلان صف شکن / یک گام، فراتر (گنج حکمت)



درس نامه ۱۱۴
سؤالات امتحانی ۱۲۰
پاسخ نامه ۲۵۲

درس ۱۱: خاک آزادگان / شیرزنان ایران (روان خوانی)



درس نامه ۱۲۷
سؤالات امتحانی ۱۳۵
پاسخ نامه ۲۵۵

درس ۱۲: رستم و اشکبوس / عامل ورعیت (گنج حکمت)



درس نامه ۱۴۲
سؤالات امتحانی ۱۵۱
پاسخ نامه ۲۵۷

درس ۱۳: گردآفرید / دلیران و مردان... (شعرخوانی)



درس نامه ۱۵۹
سؤالات امتحانی ۱۶۸
پاسخ نامه ۲۶۰

درس ۱۴: طوطی و بقال / ای رفیق! (گنج حکمت)



درس نامه ۱۷۷
سؤالات امتحانی ۱۸۳
پاسخ نامه ۲۶۲

درس ۱۶: خسرو / طزاران (روان خوانی)



درس نامه ۱۹۰
سؤالات امتحانی ۱۹۸
پاسخ نامه ۲۶۵

درس ۱۷: سپیده دم / مزار شاعر (گنج حکمت)



درس نامه ۲۰۸
سؤالات امتحانی ۲۱۲
پاسخ نامه ۲۶۸

درس ۱۸: عظمت نگاه / سه پرسش (روان خوانی)



درس نامه ۲۱۸
سؤالات امتحانی ۲۲۶
پاسخ نامه ۲۷۰

درس پنجم

بیداد ظالمان / همای رحمت (شعرخوانی)



املا



آرایه



حفظ شعر



نثر روان



درک مطلب



دستور



مشاوره: در بخش دستور، سؤالات متنوعی از این درس طرح شده: **دو حرف اضافه برای یک متمم، تشخیص نقش مضاف‌الیه، تعیین هسته و وابسته‌های گروه و جمله پایه و پیرو.** با توجه به اینکه این درس، یک قصیده قدیمی است از نظر درک مطلب مهم است. مفاهیم محوری درس عبارتند از **فراگیر بودن مرگ، ناپایداری ایام و مبارزه با ظلم و ستم.** اولین شعر حفظی کتاب در این درس آمده و مکرراً در امتحان نهایی از آن سؤال طرح شده است. در بخش آرایه، **استعاره** بیشترین سهم را به خود اختصاص داده.

واژه‌های اصلی



آیت: نشانه

ابوالعجایب: شگفت‌انگیز

خذلان: خواری، پستی، مذلت

دولت‌آشیان: دولت‌سرا، آشیانه خوشبختی

رحمت: بخشش، مهربانی

رَمَه: گله

طالع: سرنوشت، بخت

عَلَم کردن: مشهور کردن، سرشناس کردن

ماسوا: مخفف ماسوی الله: آنچه غیر از خداست،

همه مخلوقات

مَحَنَت: اندوه، غم، رنج و بلا

مُقَتَّعَر: نازنده، سربلند، صاحب افتخار

هُما: پرنده‌ای از راسته شکاریان، دارای جثه‌ای

نسبتاً درشت. در زبان پهلوی به معنی فرخنده است

و به همین دلیل، نماد سعادت به شمار می‌آید.

واژه‌های فرعی



اجل: مرگ

آز: حرص

بوم: جغد

چراغدان: فانوس

سَبان: چوپان

طبع: سرشت

عَلَم: پرچم

فتی: جوانمرد

مرغ حق: نوعی جغد که هنگام آوازخواندن

گویی کلمه «حق» را تکرار می‌کند.

مسعود: نیک‌بخت

نای: ساز نی

واژه‌های مهم املائی



جثه و قالب

چراغدان و شمع

چوپان گرگ‌طبع

خاص و عام

خذلان و خواری

دهر و روزگار

سده و قرن

طالع و بخت

غرش شیر

ماسوا و مخلوقات

متحیر و حیرت‌زده

محنت و غم

مذلت و خواری

مسعود و خوش‌بخت

واژه‌های هم‌آوا



اجل: مرگ / عجل: شتافتن

اسیر: گرفتار / عصیر: عصاره و چکیده

عَلَم: پرچم / آلم: درد و رنج

ایستگاه دانش‌های ادبی



استعاره مصرّحه - استعاره مکتیه - اضافه استعاری

۱ استعاره مصرّحه: گاهی از یک تشبیه فقط «مشبه‌به» می‌ماند که به آن «استعاره مصرّحه» یا به‌طور خلاصه «استعاره» می‌گوییم. به دو تشبیه زیر توجه کنید:

پهلوانان مانند شیرها هستند. / ناکسان مانند سگ‌ها هستند.

مشبه مشبه‌به مشبه‌به مشبه

حال اگر شیرها و سگ‌ها را بدون «مشبه» به کار ببریم و از محتوای جمله هم مشخص باشد که منظورمان از شیر و سگ، انسان‌های پهلوان و انسان‌های پست است، استعاره ساخته‌ایم. در بیت درخشان زیر این اتفاق افتاده است:

• «در مملکت چو غرش شیران گذشت و رفت این عوعو سگان شما نیز بگذرد»

استعاره از پهلوانان

استعاره از انسان‌های پست

۲ استعاره مکنیه: گاهی از یک تشبیه فقط «مشبه + یکی از ویژگی‌های مشبه‌به» باقی می‌ماند که به آن «استعاره مکنیه» یا به‌طور خلاصه «استعاره» می‌گوییم. ابتدا به این تشبیه دقت کنید: خورشید مانند گل شکفت.

مشبه

مشبه‌به

حال اگر «مشبه‌به» یعنی «گل» را حذف کنیم و یکی از ویژگی‌های آن را بیاوریم، استعاره ساخته‌ایم: خورشید شکفت.

مشبه ویژگی مشبه‌به

چند نمونه دیگر از این نوع استعاره:

- گل‌های باغچه طلوع کردند (در اصل: گل‌ها مثل خورشید هستند).
- ستاره‌ها لبخند می‌زنند (در اصل: ستاره‌ها مثل انسان هستند).
- امیدواری در دلش ریشه دوانده بود (امیدواری مثل درخت است).

نکته: ۱ در استعاره نوع دوم، اگر مشبه‌به حذف‌شده انسان باشد، علاوه بر استعاره، به آن تشخیص یا جان‌بخشی هم می‌توان گفت: ستاره‌ها لبخند می‌زنند ← تشخیص یا استعاره. پس به خاطر داشته باشید: هر تشخیص یک استعاره است.

۲ گاهی استعاره مکنیه به‌صورت ترکیب اضافی می‌آید: یعنی «ویژگی مشبه‌به» حذف‌شده را با یک کسره به «مشبه» اضافه می‌کنند که به آن «اضافه استعاری» می‌گویند: طلوع گل‌ها - لبخند ستاره‌ها - ریشه امیدواری، شکفتن خورشید

۲ «اضافه استعاری» یک آرایه جدید نیست، فقط یک عنوان جدید برای استعاره‌ای است که اجزای آن با کسره به هم اضافه شده است، بنابراین «لبخند ستاره» هم اضافه استعاری است، هم استعاره و هم تشخیص!

۴ درست است که هر دو نوع استعاره از دل تشبیه بیرون می‌آیند اما نباید به آن‌ها تشبیه گفت و استعاره، آرایه مستقل و جداگانه‌ای است.

۵ در امتحان فارسی عمومی، نیازی نیست نوع استعاره (مصرحه یا مکنیه) را بنویسید و نوشتن کلمه استعاره برای انواع استعاره کفایت می‌کند.

ایستگاه دانش‌های زبانی

تفاوت معنایی در فعل

در زبان فارسی مانند سایر زبان‌های دنیا، گاهی اوقات یک فعل بیش از یک معنی دارد. مثلاً به مصدر «گرفتن» فکر کنید و ببینید چندین معنی متنوع به ذهن‌تان می‌رسد:

اخذ کردن: کتاب را گرفتم. مسدود شدن: لوله گرفت. تیره و تار شدن خورشید: خورشید گرفت.

فرض کردن: گیرم قبول هم شدی، بعدش چی؟ شروع کردن: برف گرفت. شعله‌ور شدن: آتش گرفت.

و...

مصدر «گشتن» امروزه یک معنی بیشتر ندارد اما در گذشته علاوه بر این معنی، در معنی «خاموش کردن» نیز به کار می‌رفته. به بیت درخشان زیر از عالیجناب سعدی دقت کنید:

• «شمع را باید از این خانه به در بُردن و گشتن تا به همسایه نگوید که تو در خانه مایی!»

همان‌طور که می‌بینید «گشتن» برای شمع به کار رفته و در معنی «خاموش کردن» است.

بیداد ظالمان

نگاه کلی

«بیداد ظالمان» به نظر بسیاری، زیباترین و اثرگذارترین درس فارسی دهم است و یکی از اشعاری است که در حافظه جمعی نسلی که این شعر را در کتابشان خوانده‌اند، مانده است. «سیف فرغانی» شاعر قرن هفتم، در این قصیده زیبا، با زبانی صریح و قاطع، به حاکمان ستمگر بیدادپیشه، یادآوری می‌کند که پایان زندگی آن‌ها نیز چیزی جز مرگ و نیستی نیست و درست است که چند روزی، سوار بر خر مراد هستند، اما همان‌طور که حاکمان عادل و مردم‌دار، عاقبتی جز مرگ نداشتند، مرگی فجیع نیز در انتظار حاکمان خودکامه ظالم نشسته است. مهم‌ترین مبحث سؤال‌خیز و امتحانی این درس «درک مطلب» و سپس مبحث مهم آرایه «استعاره» است. شعر حفظی (همای رحمت) هم که پای ثابت سؤالات امتحان نهایی است.

هم مرگ، بر جهان شما نیز بگذرد هم رونق زمان شما نیز بگذرد

معنی: مرگ به سراغ زندگی شما هم خواهد آمد و دوران شکوه و اعتبار شما نیز تمام خواهد شد.

مفهوم: فراگیر بودن مرگ و حتمی بودن آن / ناپایداری اوضاع جامعه

قلمرو ادبی: شعر در قالب قصیده سروده شده، «نیز بگذرد» ردیف شعر و کلماتی همچون «جهان، زمان، آشیان، دهان، ظالمان و...» قافیه شعر هستند. تشخیص: گذر کردن مرگ / کنایه: گذر کردن مرگ بر جهان کسی ← مردن آن شخص

قلمرو زبانی: کلمه «نیز» همیشه قید است در این بیت نیز همه‌جا قید است.



وین بوم محنت از پی آن تا کند خراب بر دولت آشیان شما نیز بگذرد

■ **واژه‌نامه:** محنت: اندوه، غم، رنج و بلا / دولت آشیان: دولت‌سرا، آشیانه خوشبختی

■ **معنی:** غم و اندوه مانند جغد شوم ویرانگری است که به ما بسنده نمی‌کند و شما را نیز خانه‌خراب می‌کند.

■ **مفهوم:** ناپایداری اقبال و خوشبختی

■ **قلمرو ادبی:** تشبیه: بوم محنت (اضافه تشبیهی) / نماد: بوم ← نامبارکی و شومی / تضاد: محنت و دولت / مراعات نظیر: بوم و آشیان / کنایه: گذشتن بوم از آشیان ← نابودی و بدبختی

■ **قلمرو زبانی:** «این بوم محنت» نهاد است.

صفت هسته مضاف‌الیه

آب آجل که هست گلوگیر خاص و عام بر حلق و بر دهان شما نیز بگذرد

■ **معنی:** مرگ مانند آبی است که در گلوی همه گیر می‌کند (مرگ به سراغ همه انسان‌ها می‌آید)، بنابراین به حلق و دهان شما نیز وارد خواهد شد (به سراغ شما هم خواهد آمد).

■ **مفهوم:** فراگیر بودن مرگ

■ **قلمرو ادبی:** تشبیه: آب آجل (اضافه تشبیهی) / تضاد: خاص و عام / مجاز: خاص و عام ← همه مردم / مراعات نظیر: گلو، حلق و دهان / تلمیح: بیت به بخشی از آیه ۱۸۵ سوره آل عمران، اشاره دارد: «كُلُّ نَفْسٍ ذَائِقَةُ الْمَوْتِ» (هر جاننداری، چشنده طعم مرگ است).^۱ / کنایه: گلوگیر بودن ← خفه کننده و نابودگر بودن

■ **قلمرو زبانی:** «آب آجل که هست گلوگیر خاص و عام»

نهاد

چون داد عادلان به جهان در، بقا نکرد بیدادِ ظالمان شما نیز بگذرد

■ **معنی:** در دنیایی که عدالت افراد عادل باقی نمی‌ماند، ظلم شما ظالمان نیز ماندگار نخواهد بود.

■ **مفهوم:** ناپایداری ظلم و عدل

■ **قلمرو ادبی:** تضاد: داد و بیداد - عادلان و ظالمان / واج‌آرایی: تکرار مصوت «ا»

■ **قلمرو زبانی:** چون داد عادلان به جهان در، بقا نکرد. «جهان» متممی است که دو حرف اضافه گرفته است.^۲ به جهان در

نهاد مضاف‌الیه متمم مفعول

در مملکت، جو غرش شیران گذشت و رفت این عوعو سگان شما نیز بگذرد

■ **معنی:** وقتی در این کشور، فریادهای دلیران و پهلوانان گذشت و تمام شد، صداهای گوشخراش حاکمان فرومایه شما نیز می‌گذرد و تمام می‌شود.

■ **مفهوم:** ناپایداری حکومت

■ **قلمرو ادبی:** استعاره: شیران ← دلیران و پهلوانان - سگان ← انسان‌های پست و فرومایه / تضاد: غرش و عوعو - شیران و سگان / واج‌آرایی: تکرار صامت «ش» در مصراع اول

■ **قلمرو زبانی:** این عوعو سگان شما

صفت هسته مالیه مالیه

بادی که در زمانه بسی شمع‌ها بگشت هم بر چراغدان شما نیز بگذرد

■ **معنی:** مرگ مانند بادی که با وزش خود مردمان را مانند شمع خاموش می‌کند، به سراغ شما نیز خواهد آمد و عمر شما را خواهد گرفت.

■ **مفهوم:** فراگیری مرگ

■ **قلمرو ادبی:** استعاره: باد ← مرگ - شمع ← انسان - چراغدان ← عمر یا زندگی / مراعات نظیر: شمع و چراغدان / تلمیح: بیت به بخشی از آیه ۱۸۵ سوره آل عمران، اشاره دارد: «كُلُّ نَفْسٍ ذَائِقَةُ الْمَوْتِ» (هر جاننداری، چشنده طعم مرگ است).^۲

■ **قلمرو زبانی:** «گشتن» در مصراع اول در معنی خاموش کردن به کار رفته است. / «بسی» قید است.

زین کارونسرای، بسی کاروان گذشت ناچار کاروان شما نیز بگذرد

■ **معنی:** در این دنیای گذرا، عمر بسیاری گذشته و به پایان رسیده، به‌ناچار عمر شما هم به پایان خواهد رسید.

■ **مفهوم:** ناپایداری عمر و فراگیر بودن مرگ / ناپایداری اوضاع جامعه

■ **قلمرو ادبی:** استعاره: کاروانسرا ← دنیا - کاروان ← عمر / مراعات نظیر: کاروانسرا و کاروان / واج‌آرایی: تکرار مصوت «ا»

■ **قلمرو زبانی:** زین کاروانسرای بسی کاروان گذشت / ناچار کاروان شما نیز بگذرد

متمم قید نهاد قید نهاد مالیه قید

۱- از نظر علمی، تلمیح گرفتن این بیت به آیه مذکور چندان درست نیست، درواقع این بیت و آیه با هم تناسب مفهومی دارند و تناسب داشتن با تلمیح تفاوت دارد. منتها چون در تمرین‌های درس، این آیه ذکر شده است، شاید برخی همکاران و در برخی امتحانات آن‌ها را تلمیح بگیرند. خلاصه، حواستان باشد شاید لازم باشد در جایی آن را تلمیح بگیرید.

۲- با متمم‌هایی که دو حرف اضافه می‌گیرند در درس دوازدهم آشنا خواهیم شد.

۳- به پاورقی شماره ۱ همین صفحه مراجعه کنید.

فراتر از قلمرو یکی از استعاره‌های پر کاربرد شعر فارسی، «کاروانسرا» است که معمولاً استعاره از دنیاست. علت ساخته شدن این استعاره، این است که دنیا از دو نظر شبیه کاروانسراست: ۱) کاروانسرا و دنیا هر دو اقامتگاهی موقتی هستند. ۲) کاروانسراها دو در داشته‌اند: الف) در ورودی (ب) در خروج. دنیا نیز دو در دارد: در تولد و در مرگ!

ای مفتخر به طالع مسعود خویشتن تأثیر اختران شما نیز بگذرد

- **واژه‌نامه:** مُفْتَخَر: سربلند، صاحب افتخار، نازنده / طالع: سرنوشت، بخت
- **معنی:** ای کسانی که به بخت خوب خود می‌نازید، این خوش اقبالی شما هم روزی تمام می‌شود.
- **مفهوم:** ناپایداری بخت و اقبال
- **قلمرو ادبی:** مراعات نظیر: طالع و اختر / تلمیح: بیت به این باور گذشتگان اشاره دارد که ستارگان در زندگی انسان‌ها تأثیرگذار هستند. - بیت به حدیث «الدهر یومان یوم لک و یوم علیک» اشاره دارد. ۱ / واج آرایی: تکرار صامت «ت»
- **قلمرو زبانی:** حذف منادا و فعل به قرینه معنایی: ای [کسانی که] مفتخر به طالع مسعود خویش [هستید].
منادای محذوف مسند فعل محذوف

بر تیر جور تان ز تحمل، سپر کنیم تا سختی کمان شما نیز بگذرد

- **معنی:** در برابر ظلم شما، آن قدر تحمل می‌کنیم تا دوران بی‌رحمی و زورمندی شما نیز تمام شود.
- **مفهوم:** ایستادگی و صبر در برابر ظلم
- **قلمرو ادبی:** تشبیه: تیر جور (اضافه تشبیهی) - تحمل به سپر تشبیه شده است. / مراعات نظیر: تیر، کمان و سپر / مجاز: کمان ← ظلم و زورگویی
- **قلمرو زبانی:** فعل «کنیم» در مصراع اول به معنی «بسازیم» به کار رفته و «سپر» مفعول این فعل است.
- **ای تو رَمه سپرده به چوپان گرگ طبع این گرگی شبان شما نیز بگذرد**
- **واژه‌نامه:** رَمه: گله
- **معنی:** ای کسی که مردم را به دست گماشتگان گرگ صفت و درنده‌خو سپرده‌ای، دوران گرگ صفتی و وحشی‌گری گماشتگان شما نیز تمام می‌شود.
- **مفهوم:** ناپایداری دوران ظلم و ستم
- **قلمرو ادبی:** استعاره: رَمه ← مردم - چوپان و شبان ← والی، گماشته، مأمور / کنایه: گرگ طبع ← وحشی و درنده‌خو - گرگی ← درنده‌خویی و وحشی‌گری / تضاد: گرگ و رَمه / تشبیه: چوپان به گرگ تشبیه شده است.
- **قلمرو زبانی:** «تو» نهاد فعل «سپرده‌ای» است و منادا پس از «ای» حذف شده است: «ای [انسانی] که تو رَمه را به چوپان گرگ طبع سپرده‌ای...».

کارگاه متن‌پژوهی

قلمرو زبانی

- در شعری که خواندید، پنج واژه مهم املایی بیابید و بنویسید.
پاسخ ۱) گرگ طبع ۲) محنت ۳) طالع ۴) مسعود ۵) اجل
- تفاوت معنایی فعل «گشت» را در ابیات زیر توضیح دهید.
● «گفتم که نوش لعلت ما را به آرزو گشت» گفتا تو بندگی کن کاو بنده‌پرور آید»
■ **معنی:** گفتم: لب‌های زیبای تو ما را در آرزومندی گشت، گفت تو بندگی کن، او خودش، روش بنده‌پروری را می‌داند.
■ **مفهوم:** بنده‌پرور بودن یار
■ **قلمرو ادبی:** استعاره: لعل ← لب / تشبیه: نوش لعل (اضافه تشبیهی، لعل به نوش (= عسل) تشبیه شده است.) / تشخیص: بنده‌پرور بودن لعل
● «بادی که در زمانه بسی شمع‌ها بکشت هم بر چراغدان شما تیز بگذرد»
پاسخ در بیت اول به معنی «به قتل رساند» و در بیت دوم به معنی «خاموش کرد» است.
- برای هر واژه مشخص شده، یک مترادف از متن درس بیابید.
● «بر در بخت بد فرود آید هر که گیرد عنان مرکبش، آز»
■ **معنی:** هر کس حرص و طمع، اختیارش را در دست بگیرد، بدبخت می‌شود.
■ **مفهوم:** نگوشت حرص و طمع و عواقب شوم آن
■ **قلمرو ادبی:** استعاره: در بخت (اضافه استعاری) / تشخیص: عنان گرفتن از / کنایه: عنان کسی را گرفتن ← اختیار کسی را به دست داشتن / جناس: بر، در و هر
پاسخ طالع
- «همت بلند دار که نزد خدا و خلق باشد به قدر همت تو اعتبار تو»
■ **معنی:** اراده و تلاش مستحکمی داشته باش زیرا نزد خدا و نزد مردم، اعتبار انسان‌ها به میزان اراده و تلاش آن‌هاست.
■ **مفهوم:** فواید همت بلند داشتن
■ **قلمرو ادبی:** تکرار: همت - تو
پاسخ رونق

۱- به پاورقی شماره ۱ در صفحه قبل مراجعه کنید.



قلمرو ادبی

۱. قافیه و ردیف را در بیت نخست این سروده مشخص کنید.

پاسخ قافیه: جهان و زمان / ردیف: شما نیز بگذرد

۲. در بیت زیر، کنایه‌ها را بیابید و مفهوم آن‌ها را بنویسید.

• «بر تیر جورتان ز تحمل سپر کنیم تا سختی کمان شما نیز بگذرد»

پاسخ سپر کردن ← مقاومت کردن / سختی کمان ← دشواری و زورمندی

۳. به بیت زیر توجه کنید:

«برکن ز بن این بنا که باید از ریشه بنای ظلم برکنند»

(محمّد تقی بهار)

■ **معنی:** از ریشه ظلم و ستم را نابود کن، زیرا ظلم و ستم باید ریشه‌کن شود.

■ **مفهوم:** توصیه به مبارزه با ظلم و ستم

■ **قلمرو ادبی:** تشبیه: بنای ظلم (اضافه تشبیهی) / استعاره: بنا (مصراع اول) ← ظلم و ستم

■ **قلمرو زبانی:** «این بنا» و «بنای ظلم» هر دو گروه مفعولی هستند.

در مصراع اول، مقصود شاعر از «بنا»، مفهوم «ظلم» است؛ یعنی شاعر، «ظلم» را به «بنا» تشبیه کرده است؛ سپس به سبب شباهت آن دو به هم مشبّه (ظلم) را حذف کرده و فقط مشبّه‌به (بنا) را ذکر کرده است تا شباهت را تا مرحله یکی شدن نشان دهد؛ به این تصویر خیال‌انگیز «استعاره» می‌گویند.

در استعاره، یک طرف تشبیه، (مشبّه یا مشبّه‌به) ذکر نمی‌شود. مثال برای حذف «مشبّه‌به»: خورشید شکفت. «خورشید» به «گل» تشبیه شده است و «شکفتن» از ویژگی‌های گل است که به خورشید نسبت داده شده است.

• در بیت پنجم، استعاره‌ها را مشخص کنید و مفهوم هر یک را بنویسید.

«در مملکت، چو خرّش شیران گذشت و رفت این هوس سگان شما نیز بگذرد»

پاسخ شیران استعاره از دلیران و پهلوانان - سگان استعاره از انسان‌های پست و فرومایه

قلمرو فکری

۱. با توجه به توضیح زیر، معنی و مفهوم بیت اول درس را به نثر روان بنویسید.

• «سیف‌الدین محمد فرغانی، در سده هفتم هجری، هنگامی که شهرهای بزرگ و آباد ایران، در آتش بیداد مغولان می‌سوخت، این شعر را سرود. سیف در این سروده، از رفتار ظالمانه فرمانروایان و تاخت‌وتاز سپاه مغول، با بیان کوبنده‌ای انتقاد می‌کند.»

پاسخ مرگ به سراغ زندگی شما هم خواهد آمد و دوران شکوه و اعتبار شما نیز تمام خواهد شد.

۲. در بیت زیر، مقصود شاعر از «رمه»، «چوپان گرگ‌طبع» و «گرگی شبان» چیست؟

• «ای تو رمه سپرده به چوپان گرگ‌طبع این گرگی شبان شما نیز بگذرد»

پاسخ رمه ← مردم / چوپان گرگ‌طبع ← گماشتگان و مأموران حکومتی / گرگی شبان ← وحشی‌گری و درنده‌خویی مأموران و گماشتگان حکومت

۳. از متن درس، برای حدیث و آیه زیر، نمونه بی‌بی مرتب‌بیاید و بنویسید.

• «الدَّهْرُ یُؤْمَانُ یَوْمَ لَکَ وَ یَوْمَ هَلِیکَ. (روزگار دو روز است: یک روز باتوست و یک روز علیه توست)»

پاسخ ای مُفْتَخِرْ به طالع مسعودِ خویشتن / تأثیرِ اختران شما نیز بگذرد

• «کُلْ نَفْسٍ ذَائِقَةُ الْمَوْتِ». (هرجانداری، چشنده [طعم] مرگ است.)

(سوره آل عمران، آیه ۱۸۵)

پاسخ آبِ اَجَلْ که هست گلوگیرِ خاص و عام بر حلق و بر دهان شما نیز بگذرد

۴. سروده زیر، یادآور کدام بیت درس است؟

• «ما بارگه دادیم، این رفت ستم بر ما بر قصر ستمکاران، گویی چه رسد خذلان؟»

(خاقانی)

■ **واژه‌نامه:** خذلان: خواری، پستی، مذلت

■ **معنی:** ما که دربار عدالت بودیم، این‌گونه ظلم و ستم ما را نابود کرد، ببین قرار است ستمکاران چه خواری و ذلتی بکشند!

■ **مفهوم:** ناپایداری عدل و ظلم

■ **قلمرو ادبی:** تضاد: داد و ستم / مراعات‌نظیر: بارگه و قصر / استعاره: بارگه داد (داد مثل کاخی است که بارگه دارد ← استعاره مکنیه)

پاسخ چون دادِ عادلان به جهان در، بقا نکرد بیدادِ ظالمان شما نیز بگذرد

شعرخوانی همای رحمت

مشاوره نهایی: «شعرخوانی» ها سه شعر هستند که باید آن‌ها را حفظ کنید و در امتحانات، سؤال شعر حفظی، پای ثابت سؤالات است. «همای رحمت» اولین شعر حفظی کتاب است که در ستایش حضرت علی علیه السلام سروده شده است. علاوه بر حفظ شعر، سؤالات مربوط به درک مطلب، آرایه‌های ادبی، لغت، املا و دستور زبان از این شعرها طرح می‌شود. پس به هیچ وجه شعرخوانی‌ها را دست کم نگیرید و مانند متن اصلی درس به آن‌ها توجه کنید.

علی ای همای رحمت، تو چه آیتی خدا را! که به ماسوا فکندی همه سایه همای را

■ **واژه‌نامه:** همای: پرندۀ ای از راستۀ شکاریان، دارای جثه‌ای نسبتاً درشت. در زبان پهلوی به معنی فرخنده است و به همین دلیل، نماد سعادت به شمار می‌آید. / رحمت: بخشش، مهربانی / آیت: نشانه / ماسوا: مخفف ماسوی الله: آنچه غیر از خداست، همه مخلوقات

■ **معنی:** علی ای پرندۀ سعادت و مهربانی، قسمت می‌دهم بگو که تو چه نشانه‌ای از خدا هستی، زیرا سایه لطف و مهربانی خود را بر همه جهان انداخته‌ای. / **مفهوم:** رحمت جهان‌شمول حضرت علی علیه السلام

■ **قلمرو ادبی:** شعر در قالب غزل سروده شده است، «را» ردیف و کلماتی همچون «خدا، همای، گدا، کربلا و...» قافیه شعر هستند. / **تشبیه:** حضرت علی به همای رحمت تشبیه شده است. / نماد: همای ← خوش‌بختی / تکرار: همای / کنایه: سایه همای را بر ماسوا افکندن ← رحمت را بر همه گستردن

■ **قلمرو زبانی:** «را» در مصراع اول حرف اضافه به معنی «از» است: تو چه آیتی از خداوند هستی؟

دل اگر خداشناسی همه در رخ علی بین به علی شناختم من، به خدا قسم، خدا را

■ **معنی:** ای دل اگر قصد داری به شناخت و معرفت خداوند برسی، باید از طریق علی علیه السلام به آن برسی، به خدا سوگند می‌خورم که من خدا را از طریق علی علیه السلام شناختم. / **مفهوم:** راه شناخت خدا از شناخت حضرت علی علیه السلام می‌گذرد.

■ **قلمرو ادبی:** تشخیص: دل را مخاطب قرار دادن و با او سخن گفتن / تکرار: علی - خدا

■ **قلمرو زبانی:** «دل» منادایی است که حرف ندای آن حذف شده است: ای دل... / بیت پنج جمله است. / علاوه بر حذف فعل به قرینه معنایی در منادا، یک حذف فعل به قرینه معنایی در مصراع دوم هم رخ داده: به خدا قسم [می‌خورم].

فراتر از قلمرو مخاطب قرار دادن موجودات غیرانسانی، تشخیص محسوب می‌شود: زیرا وقتی موجودی را مخاطب قرار می‌دهیم، درواقع او را انسانی شنوده و دارای گوش و فهم انسانی فرض کرده‌ایم.

برو ای گدای مسکین، در خانه علی زن که نگین پادشاهی دهد از کرم گدا را

■ **معنی:** ای گدای درمانده، به در خانه علی علیه السلام برو زیرا از روی کرم و بخشش فراوان، حتی به گدایان نیز انگشتی سلطنت عطا می‌کند.

■ **مفهوم:** کرم و بخشش فراوان حضرت علی علیه السلام

■ **قلمرو ادبی:** مجاز: نگین ← انگشت / تضاد: پادشاهی و گدا / تلمیح: بیت اشاره به آیه ۵۵ سوره مائده دارد: «إِنَّمَا وَلِيُّكُمُ اللَّهُ وَرَسُولُهُ وَالَّذِينَ آمَنُوا الَّذِينَ يُقِيمُونَ الصَّلَاةَ وَ يُؤْتُونَ الزَّكَاةَ وَ هُمْ رَاكِعُونَ» (ولی شما تنها خدا و پیامبر اوست و کسانی که ایمان آورده‌اند همان کسانی هستند که نماز برپا می‌دارند و در حال رکوع زکات می‌دهند). / کنایه: در خانه کسی را زدن ← از آن شخص درخواست داشتن

■ **قلمرو زبانی:** «را» در مصراع دوم حرف اضافه است: که نگین پادشاهی از روی کرم به گدا دهد. / بیت، چهار جمله است، زیرا «منادا» (= گدای مسکین) شبه‌جمله محسوب می‌شود و شبه‌جمله در شمار جملات است.

به جز از علی که گوید به پسر که قاتل من چو اسیر توسست اکنون به اسیر کن مدارا؟

■ **معنی:** به جز از علی علیه السلام هیچ کس به پسرش توصیه نمی‌کند حالا که قاتل من در دستان تو گرفتار شده، با او خوش‌رفتار باش.

■ **مفهوم:** مدارا کردن حضرت علی علیه السلام با قاتل

■ **قلمرو ادبی:** تکرار: اسیر / پرسش انکاری: به جز از علی که گوید؟ ← جز علی کسی نمی‌گوید. / تلمیح: به ماجرای ضربت خوردن و مجروح شدن حضرت علی علیه السلام و توصیه‌هایی که برای خوش‌رفتاری با قاتل به اطرافیان خود داشتند. / قافیه این بیت نادرست است.

به جز از علی که آرد پسری ابوالعجائب که علم کند به عالم شهدای کربلا را؟

■ **واژه‌نامه:** علم کردن: مشهور کردن، سرشناس کردن

■ **معنی:** هیچ کس مانند علی علیه السلام پسری شگفت‌انگیز ندارد که آن پسر شهدای کربلا را به همه جهانیان معرفی کند.

■ **مفهوم:** ستایش حضرت علی علیه السلام و امام حسین علیه السلام

■ **قلمرو ادبی:** تلمیح: به ماجرای کربلا و امام حسین علیه السلام / کنایه: علم کردن ← مشهور کردن و معرفی کردن / پرسش انکاری: به جز از علی علیه السلام که آرد؟ جز علی علیه السلام کسی نمی‌آرد. / جناس: علم و عالم (ناقص) - که و که (جناس)

■ **قلمرو زبانی:** «که» در مصراع اول به معنی «چه کسی» و «نهاد» است.

چو به دوست عهد بندد ز میان پاک‌بازان چو علی که می‌تواند که به سر برد وفا را؟

■ **معنی:** وقتی علی علیه السلام با یار عهد و پیمان می‌بندد، در میان تمام انسان‌های فداکار فقط علی علیه السلام می‌تواند وفای به عهد کند.

■ **مفهوم:** وفاداری حضرت علی علیه السلام

■ **قلمرو ادبی:** کنایه: به سر بردن وفا ← وفا کردن به عهد و پیمان / جناس: چو و چو (تام) - که و که (تام) / پرسش انکاری: چو علی که می‌تواند؟ ← مانند علی علیه السلام کسی نمی‌تواند. / تلمیح: اگر منظور از «دوست» پیامبر صلی الله علیه و آله باشد، بیت به ماجرای خوابیدن حضرت علی در بستر پیامبر در شب هجرت اشاره دارد (لیلة المَبیت).

۱- در بیت‌های چهارم و دهم، شاعر بیت را با کلمات «مدارا» و «شهریار» به پایان برده است و همان‌طور که می‌بینید ردیف «را» در قافیه ادغام شده است. این کار هرچند در بین شاعران گذشته گاهی سابقه دارد، اما از عیوب قافیه محسوب می‌شود.



نه خدا توانمش خواند نه بشر توانمش گفت

■ **معنی:** حیرت زده هستیم که پادشاه جوانمردی را چه بنام! نه می توانم او را انسان بنامم نه خدا.

■ **مفهوم:** عظمت مقام حضرت علی (ع)

■ **قلمرو ادبی:** تلمیح: بیت به حدیث «لَا فَتَى إِلَّا عَلَى لَا سَيْفَ إِلَّا ذَوَالْفَقَارِ» اشاره دارد. تشبیه: مُلْکِ لافتی: سرزمین جوانمردی (اضافه تشبیهی) / کنایه: شه مُلْکِ لافتی ← حضرت علی (ع) / پرسش انکاری: چه نامم؟ نمی توانم بنامم.

■ **قلمرو زبانی:** نقش ضمیرهای متصل: نه خدا توانمش خواند: مفعول ← او را خدا نمی توانم خواند. نه بشر توانمش گفت: متمم ← به او بشر نمی توانم گفت.

چه زنم چو نای هر دم، ز نوای شوق او دم؟

■ **معنی:** تا کی مانند ساز نی، در اشتیاق او ناله سر دهم؟ حافظ این شوق و اشتیاق را بهتر نشان داده است.

■ **مفهوم:** ناتوانی در توصیف شوق نسبت به حضرت علی (ع)

■ **قلمرو ادبی:** کنایه: دم زدن ← سخن گفتن - لسان غیب ← حافظ / جناس: دَم و دَم (تام) / استعاره: نوا (مصراع دوم) ← شوق / مراعات نظیر: نای، دَم و نوا / تشبیه: من مانند نای (= ساز نی) هستم.

■ **قلمرو زبانی:** «چه» به معنی «چرا» است و قید است.

همه شب در این امیدم که نسیم صبحگاهی

■ **معنی:** سراسر شب در این امید و آرزو به سر می برم که نسیم صبح، با پیامی از طرف او من را مورد لطف و نوازش قرار دهد.

■ **مفهوم:** انتظار کشیدن برای یار و پیامش

■ **قلمرو ادبی:** تضمین: این بیت متعلق به حافظ است که شهریار آن را تضمین^۲ کرده است. تضاد: شب و صبحگاه / تشخیص: نواختن نسیم

■ **قلمرو زبانی:** «همه شب» قید است.

ز نوای مرغِ یاحق بشنو که در دلِ شب

■ **معنی:** ای شهریار، از آواز مرغِ یاحق بشنو و یاد بگیر که غم دل را به یار گفتن چقدر زیبا و دلنشین است.

■ **مفهوم:** لذت بخش بودن درد دل کردن با یار

■ **قلمرو ادبی:** «شهریار» تخلص شاعر است و به این بیت، بیت تخلص می گویند.

■ **قلمرو زبانی:** صورت مرتب شده جملات پایانی: ای شهریار در دل شب، غم دل به دوست گفتن، چه خوش است.

منادا متمم نهاد مسند

تاریخ ادبیات ۱ «بیداد ظالمان» قصیده ای از سیف فرغانی، شاعر سده هفتم است که از رفتار ظالمانه فرمانروایان مغول انتقاد کرده است. این قصیده نمونه ای از ادبیات پایداری محسوب می شود. **۲** «شهریار» نام شاعری یا تخلص محمدحسین بهجت تبریزی است.

سؤالات امتحانی

قلمرو زبانی

الف لغت

۳۱۹. معنی واژه های مشخص شده را بنویسید.

الف) به ماسوا فکندی همه سایه هما را

ب) وین بوم محنت از پی آن تا کند خراب

۳۲۰. معنی واژه های مشخص شده را بنویسید.

الف) ای مفتخر به طالع مسعود خویشتن

ب) که هلم کند به عالم شهدای کربلا را

۳۲۱. کدام توضیح درباره واژه «هما» درست نیست؟

☐ الف) در زبان پهلوی به معنی فرخنده است.

☐ ب) پرنده ای افسانه ای که نماد سعادت است.

۳۲۲. کدام واژه در بیت زیر با واژه مشخص شده در بیت «همت بلند دار که نزد خدا و خلق / باشد به قدر همت تو اعتبار تو» مترادف است؟

الف) هم مرغ بر جهان شما نیز بگذرد هم رونق زمان شما نیز بگذرد

۳۲۳. واژه ای مترادف «مذلت» را در بیت زیر بیابید و مشخص کنید.

الف) ما بارگه دادیم، این رفت ستم بر ما بر قصر ستمکاران گویی چه رسد خذلان

۳۲۴. معنی درست واژه را از داخل کمانک انتخاب کنید.

الف) ای تو رَمه سپرده به چوپان گرگ طبع (گوسفند - گله)

ب) ای مفتخر به طالع مسعود خویشتن (سرنوشت - طلوع کننده)

۱- برخی از همکاران محترم، این ترکیبات را «استعاره» می گیرند.

۲- یا آرایه «تضمین» در درس شانزدهم همین کتاب آشنا خواهیم شد.

۳۲۵. معنی واژه‌های مشخص شده را بنویسید.

(الف) بر دولت‌آشیان شما نیز بگذرد

(ب) علی ای همای رحمت تو چه آیتی خدا را!

۳۲۶. برای واژه مشخص شده در بیت «بر در بخت بد فرود آید / هر که گیرد هنان مرکبش، آزه» یک مترادف از بین بیت‌های زیر بیابید.

- چون داد عادلان به جهان در، بقا نکرد
– ای مفتخر به طالع مسعود خویشتن
- بیداد ظالمان شما نیز بگذرد
تأثیر اختران شما نیز بگذرد

ب. املا

۳۲۷. در هر کدام از ابیات زیر یک غلط املائی بیابید و آن را اصلاح کنید.

- (الف) هم مرگ بر جهان شما نیز بگذرد هم رونق ضمان شما نیز بگذرد
(ب) آب عجل که هست گلوگیر خاص و هام بر حلق و بر دهان شما نیز بگذرد

۳۲۸. در بیت زیر دو غلط املائی وجود دارد، آن‌ها را درست کنید.

«به جز از علی که آرد پسری ابولعجایب که الم کند به عالم شهدای کربلا را»

۳۲۹. صورت درست املائی را از داخل کمانک انتخاب کنید.

- (الف) ای تورمه سپرده به چوپان گرگ (تبع-طبع)
(ب) ما بارگه دادیم، این رفت ستم بر ما برقصی ستمکاران گویی چه رسد (خزلان-خزلان)

۳۳۰. صورت درست املائی را از داخل کمانک انتخاب کنید.

- (الف) علی ای همای رحمت، تو چه آیتی خدا را! که به (ماصوا-ماسوا) فکندی همه سایه هما را
(ب) ای مفتخر به (طالع-تالع) مسعود خویشتن تأثیر اختران شما نیز بگذرد

۳۳۱. در میان گروه واژه‌های زیر دو خطای املائی بیابید و درست آن را بنویسید.

(صیف فرغانی - لسان غیب - مذلت و خاری - فنا و بقا - دهر و زمان - هوو سگان - فرش شیران - رونق و فروغ - بهجت تبریزی - اسیر و گرفتار)

ج. دانش‌های زبانی

۳۳۲. تفاوت معنایی فعل «کشت» در دو بیت زیر چیست؟

- (الف) گفتیم که نوش لعلت ما را به آرزو کشت گفتا تو بندگی کن کاو بنده پرور آید
(ب) بادی که در زمانه بسی شمع‌ها بکشت هم بر چراغدان شما نیز بگذرد

۳۳۳. فعل «کنیم» در مصراع «بر تیر جورتان ز تحمل سپر کنیم» یعنی:

- ☐ (الف) گردانیم ☐ (ب) بسازیم ☐ (ج) بنماییم ☐ (د) خلق کنیم

۳۳۴. معنی فعل «آیی» در «چو در وقت بهار آیی پدیدار» چیست؟

۳۳۵. در مصراع «گفتا تو بندگی کن کاو بنده پرور آید»:

(الف) فعل «آید» به چه معنی است؟

(ب) نقش دستوری کلمه مشخص شده را بنویسید.

۳۳۶. با توجه به مصراع «به علی شناختم من به خدا قسم خدا را»:

(الف) کدام فعل حذف شده است؟ نوع حذف را مشخص کنید.

۳۳۷. در مصراع «علی ای همای رحمت، تو چه آیتی خدا را» چند فعل محذوف است؟ نوع حذف را بنویسید.

۳۳۸. اجزای یکی از جملات کدام بیت مطابق زبان معیار نیست؟ آن را مرتب کنید.

- ☐ (الف) بر تیر جورتان ز تحمل سپر کنیم تا سختی کمان شما نیز بگذرد
☐ (ب) زین کاروانسرای بسی کاروان گذشت ناچار کاروان شما نیز بگذرد
☐ (ج) ای مفتخر به طالع مسعود خویشتن تأثیر اختران شما نیز بگذرد

۳۳۹. اجزای بیت زیر را مطابق زبان معیار فارسی مرتب کنید.

«آب اجل که هست گلوگیر خاص و هام بر حلق و بر دهان شما نیز بگذرد»

۳۴۰. نقش دستوری واژه‌های مشخص شده را بنویسید.

«بادی که در زمانه بسی شمع‌ها بکشت هم بر چراغدان شما نیز بگذرد»

۳۴۱. نقش دستوری واژه‌های مشخص شده را بنویسید.

(الف) ای تو رمه سپرده به چوپان گرگ طبع (ب) ناچار کاروان شما نیز بگذرد

۳۴۲. نقش دستوری مناسب را از داخل کمانک انتخاب کنید.

(الف) آب اجل که هست گلوگیر خاص و هام (صفت - مسند) (ب) بر تیر جورتان ز تحمل سپر کنیم (مفعول - نهاد)



۳۴۳. با توجه به بیت «بر تیر جورتان ز تحمل سپر کنیم / تا سختی کمان شما نیز بگذرد» نقش دستوری واژه مشخص شده را بنویسید. (شبه‌نهایی ۱۴۰۳)

۳۴۴. نقش دستوری مناسب را از داخل کمانک انتخاب کنید.
الف) وین بوم محنت از پی آن تا کند خراب (متمم - مضاف‌الیه)
ب) ای مفتخر به طالع مسعود خویشتن (منادا - مسند)
۳۴۵. زمان مناسب را از داخل کمانک انتخاب کنید.

الف) تا سختی کمان شما نیز بگذرد (مضارع اخباری - مضارع التزامی)
ب) بر در بخت بد فرود آید هر که گیرد هنان مرکبش از (مضارع اخباری - مضارع التزامی)
۳۴۶. در مصراع «دل اگر خدانشناسی همه در رخ هلی بین»:

الف) فعل محذوف به چه قرینه‌ای حذف شده است؟
ب) نقش دستوری «خدانشناس» چیست؟
۳۴۷. در بیت زیر چند «مفعول» به کار رفته است؟

«برو ای گدای مسکین در خانه هلی زن که نگین پادشاهی دهد از کرم گدا را»
۳۴۸. تفاوت نوع «را» در نمونه‌های مشخص شده چیست؟

الف) همه شب در این امیدم که نسیم صبحگاهی به پیام آشنایی بنوازد آشنا را
ب) برو ای گدای مسکین در خانه هلی زن که نگین پادشاهی دهد از کرم گدا را
۳۴۹. تفاوت «را» در ردیف بیت زیر چیست؟

«هلی ای همای رحمت تو چه آیتی خدا را که به ماسوا فکندی همه سایه هما را»
۳۵۰. نقش دستوری واژه‌های مشخص شده را از ستون دوم انتخاب کنید.

الف) چه زخم چو نای هر دم ز نوای شوق او دم؟	☐	مفعول
ب) غم دل به دوست گفتن چه خوش است شهریارا	☐	قید
ج) چو علی که می‌تواند که به سر برد وفا را	☐	نهاد
د) به جز از علی که آرد پسری ابوالعجایب	☐	متمم

۳۵۱. بیت «بر در بخت بد فرود آید / هر که گیرد هنان مرکبش، آرز»:

الف) نهاد مصراع دوم کدام واژه است؟
ب) نقش دستوری ضمیر «ش» چیست؟

۳۵۲. در بیت «همت بلند دار که نزد خدا و خلق / باشد به قدر همت تو اعتبار تو»:

الف) نقش دستوری «خدا» چیست؟
ب) صورت مرتب‌شده جمله دوم بیت را بنویسید.

قلمرو ادبی

الف آرایه‌های ادبی

۳۵۳. آرایه درست را از داخل کمانک انتخاب کنید. (پرتکرار (خرداد و شهریور ۱۴۰۲)

«زین کاروان‌سرای بسی کاروان گذشت ناچار کاروان شما نیز بگذرد» (تضمین - استعاره)

۳۵۴. در بیت «زین کاروان‌سرای بسی کاروان گذشت / ناچار کاروان شما نیز بگذرد» کلمه مشخص شده چه آرایه‌ای دارد؟ (دی ۹۸)

۳۵۵. آرایه درست را از داخل کمانک انتخاب کنید. (شهریور ۹۸)

«بر تیر جورتان ز تحمل سپر کنیم تا سختی کمان شما نیز بگذرد» (تشبیه - اغراق)

۳۵۶. عبارت مشخص شده «مجاز» دارد یا «استعاره»؟ (شبه‌نهایی ۱۴۰۳)

«آب اجل که هست گلوگیر خاص و هام بر حلق و بر دهان شما نیز بگذرد»

۳۵۷. آرایه مشترک واژه‌های مشخص شده در بیت زیر چیست؟

«ای تو رمه سپرده به چوپان گرگ طبع این گرگی شبان شما نیز بگذرد»

۳۵۸. در بیت زیر استعاره‌ها را بیابید و مفهوم آن‌ها را بنویسید.

«در مملکت چو غرش شیران گذشت و رفت این هوو سگان شما نیز بگذرد»

۳۵۹. کلمه مشخص شده در «گفتم که نوش لعلت ما را به آرزو کشت» چه آرایه‌ای ساخته؟ مفهوم آن چیست؟

۳۶۰. در قسمت مشخص شده بیت «بادی که در زمانه بسی شمع‌ها بکشت / هم بر چراغدان شما نیز بگذرد» کدام آرایه وجود دارد؟ (دی ۹۷)

۳۶۱. در بیت زیر کدام واژه استعاره نیست؟

«بادی که در زمانه بسی شمع‌ها بکشت هم بر چراغدان شما نیز بگذرد»

☐ الف) شمع ☐ ب) زمانه ☐ ج) چراغدان ☐ د) باد

پُر تکرار (دی ۹۴ و شهریور ۱۴۰۲)

۳۶۲. در بیت زیر کدام آرایه ادبی دیده نمی‌شود؟

- الف) استعاره ☐ ب) جناس تام ☐ ج) تشخیص ☐ د) مراعات نظیر ☐

۳۶۳. آرایه مناسب را از داخل کمانک انتخاب کنید.

- الف) وین بوم محنت از پی آن تا کند خراب ☐ ب) چون داد هادلان به جهان در بقا نکرد ☐
- بر دولت‌آشیان شما نیز بگذرد (تشبیه - جناس) ☐ بیداد ظالمان شما نیز بگذرد (مجاز - واج‌آرایی) ☐

۳۶۴. از ردیف دوم آرایه مناسب برای موارد ستون اول را بیابید (یک آرایه اضافه است).

- الف) ای مفتخر به طالع مسعود خویشتن ☐ تأثیر اختران شما نیز بگذرد ☐ تضاد ☐
- ب) در مملکت چو غرّش شیران گذشت و رفت ☐ این عوعو سگان شما نیز بگذرد ☐ تشبیه ☐
- ج) آب اجل که هست گلوگیر خاص و عام ☐ بر حلق و بر دهان شما نیز بگذرد ☐ حسن تعلیل ☐ تلمیح ☐

۳۶۵. مفهوم استعاری واژه مشخص شده را بنویسید.

- «زین کاروانسرای بسی کاروان گذشت» ☐ ناچار کاروان شما نیز بگذرد ☐
۳۶۶. با توجه به بیت «بر در بخت بد فرود آید / هر که گیرد هنان مرکبش، آرزو:

- الف) ترکیب «در بخت» اضافه تشبیهی است یا اضافه استعاری؟ ☐
- ب) کدام واژه‌ها آرایه «جناس» پدید آورده‌اند؟ ☐

۳۶۷. در بیت زیر یک «تشبیه» و یک «استعاره» بیابید.

- «برکن ز بن این بنا که باید ☐ از ریشه بنای ظلم برکنند» ☐

۳۶۸. در بیت «ما بارگه دادیم این رفت ستم بر ما / بر قصر ستمکاران گویی چه رسد خذلان» کدام واژه‌ها «مراعات نظیر» پدید آورده‌اند؟ ☐

۳۶۹. آرایه مناسب را از کمانک روبه‌روی گزینه‌ها انتخاب کنید.

- الف) برو ای گدای مسکین در خانه علی زن ☐ که نگین پادشاهی دهد از کرم گدا را (مجاز - استعاره) ☐
- ب) به جز از علی که آرد پسری ابوالعجایب ☐ که علم کند به عالم شهدای کربلا را (جناس - تشبیه) ☐

۳۷۰. کدام یک از ابیات زیر فاقد تلمیح است؟

- الف) ☐ چو به دوست عهد بتدد ز میان پاکبازان ☐
- ب) ☐ به جز از علی که گوید به پسر که قاتل من ☐
- ج) ☐ برو ای گدای مسکین در خانه علی زن ☐
- د) ☐ دل اگر خداشناسی همه در رخ علی بین ☐

۳۷۱. در بیت زیر «استعاره» را توضیح دهید.

- «همه شب در این امیدم که نسیم صبحگاهی ☐

۳۷۲. بیت زیر فاقد کدام آرایه ادبی است؟

- «نه خدا توانمش خواند نه بشر توانمش گفت ☐
- الف) تلمیح ☐ ب) تشبیه ☐ ج) کنایه ☐ د) حس آمیزی ☐

ب) دانش‌های ادبی و تاریخ ادبیات

۳۷۳. جاهای خالی عبارت زیر را با کلمات مناسب پر کنید.

- «بیداد ظالمان شعری در قالب اثر سیف‌الدین محمد فرغانی شاعر قرن است.» ☐
۳۷۴. تخلص شاعری «محمدحسین بهجت تبریزی» چیست؟ ☐

ج) حفظ شعر

۳۷۵. جاهای خالی را با کلمات مناسب پر کنید.

- الف) دل اگر همه در رخ علی بین ☐ به شناختم من به خدا قسم خدا را ☐
- ب) نه خدا توانمش خواند نه بشر توانمش متحیرم چه نام شه ملک را ☐
۳۷۶. ابیات زیر را کامل کنید.

- الف) ☐ که علم کند به عالم شهدای کربلا را ☐
- ب) همه شب در این امیدم که نسیم صبحگاهی ☐
۳۷۷. بیت «تخلص» غزل «همای رحمت» را بنویسید. ☐



۳۷۸. مصراع اول «که لسان غیب خوش تر بنوازد این نوا را» کدام یک از مصراع‌های زیر است؟

☐ الف) چه زخم چو نای هر دم ز نوای شوق او دم؟ ☐ ب) که علم کند به عالم شهدای کربلا را

۳۷۹. مصراع (مدارا - چو - به - اکنون - اسیر - کن - اسیر - توسل) را مرتب کنید.

۳۸۰. براساس شعرخوانی «همای رحمت» کدام گزینه مصراع دوم بیت زیر را کامل می‌کند؟

(شبه‌نهایی ۱۴۰۳)

«چو به دوست عهد بندد ز میان پاکبازان»

☐ الف) که علم کند به عالم شهدای کربلا را؟ ☐ ب) چو علی که می‌تواند که به سر برد وفا را؟

قلمرو فکری

الف نثر روان

۳۸۱. ابیات زیر را به نثر روان برگردانید.

الف) بادی که در زمانه بسی شمع‌ها بکشت

ب) آب اجل که هست گلوگیر خاص و عام

۳۸۲. بیت‌های زیر را به نثر روان معنی کنید.

الف) ما بارگه دادیم این رفت ستم بر ما

ب) وین بوم محنت از پی آن تا کند خراب

۳۸۳. ابیات زیر را به نثر روان معنی کنید.

الف) چون داد عادلان به جهان در، بقا نکرد

ب) ای مفتخر به طالع مسعود خویشتن

۳۸۴. ابیات زیر را به نثر روان امروزی معنی کنید.

الف) بر تیر جورتان ز تحمل سپر کنیم

ب) ای تو زمه سپرده به چوپان گرگ‌طبع

ب درک مطلب

۳۸۵. در بیت «ای تو زمه سپرده به چوپان گرگ‌طبع / این گرگی شبان شما نیز بگذرد» منظور از کلمات مشخص شده چیست؟ **پُر تکرار (شهریور ۹۸ و شهریور ۱۴۰۲)**

۳۸۶. مفهوم مناسب را برای بیت «ای تو زمه سپرده به چوپان گرگ‌طبع / این گرگی شبان شما نیز بگذرد» انتخاب کنید. **(خرداد ۹۵)**

☐ الف) دوری از خست ☐ ب) ناپایداری ظلم و ستم ☐ ج) وجود نظام احسن ☐ د) دست برداشتن از خودنمایی

(شهریور ۹۲)

بیت «آب اجل که هست گلوگیر خاص و عام / بر حلق و بر دهان شما نیز بگذرد» یادآور حدیث «موتوا قبل أن تموتوا» است. ☒ ☐

۳۸۸. بیت «ما بارگه دادیم، این رفت ستم بر ما / بر قصر ستمکاران، گویی چه رسد خذلان؟» از قصیده ایوان مدائن خاقانی، با کدام بیت زیر تناسب

(خرداد ۹۱)

معنایی دارد؟

☐ الف) چون داد عادلان به جهان در، بقا نکرد

☐ ب) این نوبت از کسان به شما ناکسان رسید

۳۸۹. مفهوم آیه «كُلُّ نَفْسٍ ذَائِقَةُ الْمَوْتِ...» از سوره آل عمران، در کدام یک از ابیات زیر آمده است؟

☐ الف) زین کاروان‌سرای، بسی کاروان گذشت

☐ ب) آب اجل که هست گلوگیر خاص و عام

۳۹۰. در بیت زیر منظور از کلمه مشخص شده چیست؟

«بادی که در زمانه بسی شمع‌ها بکشت هم بر چراغدان شما نیز بگذرد»

(شهریور ۸۸)

۳۹۱. شاعر در بیت زیر به چه اتفاقی تأکید می‌کند؟

«بادی که در زمانه بسی شمع‌ها بکشت هم بر چراغدان شما نیز بگذرد»

(شهریور ۸۹)

۳۹۲. شاعر در بیت زیر توجه مخاطب خود را به چه موضوعی جلب می‌کند؟

«زین کاروان‌سرای بسی کاروان گذشت ناچار کاروان شما نیز بگذرد»

پُر تکرار (دی ۸۹ و شبه‌نهایی ۱۴۰۳)

۳۹۳. بیت زیر به کدام باور هامیانه و قدیمی اشاره دارد؟

«ای مفتخر به طالع مسعود خویشتن تأثیر اختران شما نیز بگذرد»

(شهریور ۸۷)

۳۹۴. با توجه به بیت «وین بوم محنت از پی آن تا کند خراب / بر دولت‌آشیان شما نیز بگذرد» شاعر هم و اندوه را به چه چیزی تشبیه کرده است؟ **(دی ۸۷)**

۳۹۵. مفهوم کلی بیت «بر تیر جورتان ز تحمل سپر کنیم / تا سختی کمان شما نیز بگذرد» چیست؟

۳۹۶. کدام بیت با حدیث «الدهر یومان یوم لک و یوم هلیک» تناسب مفهومی دارد؟

☐ الف) ای مفتخر به طالع مسعود خویشتن تأثیر اختران شما نیز بگذرد

☐ ب) زین کاروان‌سرای، بسی کاروان گذشت ناچار کاروان شما نیز بگذرد

۳۹۷. در بیت‌های زیر مفهوم «نمادین» واژه‌های مشخص شده را بنویسید.

- (الف) وین بوم محنت از پی آن تا کند خراب / بر دولت‌آشیان شما نیز بگذرد
(ب) علی ای همای رحمت تو چه آیتی خدا را / که به ماسوا فکندی همه سایه هما را

۳۹۸. کدام بیت تناسب مفهومی دقیق‌تری با «چون داد عادلان به جهان در، بقا نکرد / بیداد ظالمان شما نیز بگذرد» دارد؟

- ☐ (الف) در مملکت چو غرش شیران گذشت و رفت / این عوعو سگان شما نیز بگذرد
☐ (ب) زین کاروانسرای بسی کاروان گذشت / ناچار کاروان شما نیز بگذرد

۳۹۹. کدام بیت به «فراگیر بودن مرگ» اشاره دارد؟

- ☐ (الف) بر تیر جورتان ز تحمل سپر کنیم / تا سختی کمان شما نیز بگذرد
☐ (ب) ای مقتدر به طالع مسعود خویشتن / تأثیر اختران شما نیز بگذرد
☐ (ج) بادی که در زمانه بسی شمع‌ها بکشت / هم بر چراغدان شما نیز بگذرد

۴۰۰. مفهوم کلی بیت زیر چیست؟

- «زین کاروانسرای، بسی کاروان گذشت / ناچار کاروان شما نیز بگذرد»

۴۰۱. در بیت «گفتم که نوش لعلت ما را به آرزو گشت / گفتا تو بندگی کن کاو بنده‌پرور آید» شاعر شرط مورد عنایت قرار گرفتن بنده را چه می‌داند؟

۴۰۲. مفهوم کلی بیت‌های زیر را از داخل کمانک انتخاب کنید.

- (الف) همت بلند دار که نزد خدا و خلق / باشد به قدر همت تو اعتبار تو
(هزت دست خداست - اعتبار انسان، نزد خداست - همت معیار معتبر بودن است)

- (ب) بر در بخت بد فرود آید / هر که گیرد هنان مرکبش، آز
(انسان حریص، بدبخت می‌شود - انسان بی‌اختیار، گرفتار حرص و طمع می‌شود - انسان بدبخت، بی‌اختیار است.)

۴۰۳. با توجه به بیت «برکن ز بن این بنا که باید / از ریشه بنای ظلم برگند» شاعر در مصراع اول توصیه به «ویران کردن کدام بنا» دارد؟

۴۰۴. بیت زیر از زبان کدام شخصیت تاریخی سروده شده است؟

- «ما بارگه دادیم این رفت ستم بر ما / بر قصر ستمکاران گویی چه رسد خذلان؟»

۴۰۵. در بیت «به جز از علی که گوید به پسر که قاتل من / چو اسیر توست اکنون به اسیر کن مدارا؟» به چه موضوع تاریخی‌ای اشاره شده است؟

۴۰۶. در کدام یک از بیت‌های زیر، شاعر ناتوانی خویش را از وصف علی (ع) بیان می‌کند؟

- ☐ (الف) چه زخم چونای هر دم، ز نوای شوق او دم؟ / که لسان غیب، خوش‌تر بنوازد این نوا را
☐ (ب) نه خدا توانمش خواندنه بشر توانمش گفت / متحیرم چه نامم شه ملک لافتی را؟

۴۰۷. اگر بیت «همه شب در این امیدم که نسیم صبحگاهی / به پیام آشنایی بنوازد آشنا را» را سروده شهریار بدانیم، منظور از «پیام آشنا» و «آشنا» چیست؟

۴۰۸. با توجه به بیت «چه زخم چونای هر دم، ز نوای شوق او دم؟ / که لسان غیب، خوش‌تر بنوازد این نوا را»:

(الف) منظور از عبارت مشخص شده کدام شاعر زبان فارسی است؟

(ب) با توجه به این بیت منظور شاعر از «این نوا» در مصراع دوم چیست؟

۴۰۹. از ردیف دوم مفهوم مناسب را برای ابیات ردیف اول انتخاب کنید (یک مفهوم اضافه است).

- | | | |
|---|--|---------------|
| (الف) ز نوای مرغ یاقق بشنو که در دل شب | ● غم دل به دوست گفتن چه خوش است شهریارا | ● وفای به عهد |
| (ب) چو به دوست عهد بندد ز میان پاکبازان | ● چو علی که می‌تواند که به سر برد وفا را | ● تواضع |
| (ج) برو ای گدای مسکین در خانه علی زن | ● که نگین پادشاهی دهد از کرم گدا را | ● بخشش زیاد |
| | ● درد دل کردن | |

۴۱۰. کدام بیت به حادثه تاریخی «لیلة القبیت» اشاره دارد؟

- ☐ (الف) چو به دوست عهد بندد ز میان پاکبازان / چو علی که می‌تواند که به سر برد وفا را
☐ (ب) برو ای گدای مسکین در خانه علی زن / که نگین پادشاهی دهد از کرم گدا را

۲۰ سؤالات ۲۰ ساز

● ● ● ● ● ● ● ● ● ● قلمرو زبانی ● ● ● ● ● ● ● ● ● ●

۴۱۱. معادل معنایی واژه مشخص شده در بیت «بر در بخت بد فرود آید / هر که گیرد هنان مرکبش، آز» در کدام بیت آمده است؟ آن را مشخص کنید.

- ☐ (الف) که من به حسن تو ماهی ندیده‌ام طالع / که من به قذ تو سروی ندیده‌ام مایل
☐ (ب) در طالع من نیست که نزدیک تو باشم / می‌گویمت از دور دعا گر برسائند



۴۱۲. واژه درست را با توجه به معنی، از داخل کمانک انتخاب کنید.

الف) تو همی بر تنگنی دیده ز خواب سحری خفتگان را خبر از (رحمت - محنت) بیداران نیست
ب) بود زمین هدوی تو را گیا، شدت بود درخت حسود تو را ثمر، (خذلان - آیت)

۴۱۳. با توجه به معنی، صورت درست املایی را از داخل کمانک انتخاب کنید.

الف) زندان و (مذلت - مزلت) و درویشی و مرگ بر وی خوش شد.
ب) (طبع - تبع) پادشاهان و احوال و عادات ایشان نه چون دیگران است و آنچه ایشان بینند کس نتواند دید.

۴۱۴. تفاوت معنایی فعل «کشت» را در دو بیت زیر بررسی کنید.

الف) غیرت نگذارد که بگویم که مرا کشت تا خلق ندانند که معشوقه چه نام است
ب) به بالین شه آمد تیغ در مشیت جگرگاهش درید و شمع را کشت

قلمرو ادبی

۴۱۵. در کدام بیت واژه «سرو» استعاره است؟

الف) ☐ سرو چمن پیش اعتدال تو پست است روی تو بازار آفتاب شکسته است
ب) ☐ ساعتی کز دزم آن سرو روان باز آمد راست گویی به تن مرده روان باز آمد

۴۱۶. در چند بیت آرایه «استعاره» به کار رفته است؟

الف) ☐ خروش سیل حوادث بلند می گوید که خواب امن در این خاکدان نمی باشد
ب) ☐ وقت گذشته را نتوان خرید باز مفروش خیره کاین گهر پاک، بی بهاست
ج) ☐ بعد از این دست من و دامن سرو و لب جوی خاصه اکنون که صبا مژده فروردین داد

۴۱۷. آرایه مناسب را از داخل کمانک انتخاب کنید.

الف) ☐ کوی او از اختران چشم من هر که دیده است آسمان می خواندش (حسن تعلیل - استعاره)
ب) ☐ گل از طراوت رویش خجل شود در باغ چو سرو قامت حسنش در اهتزاز آید (تشبیه - حس آمیزی)

قلمرو فکری

۴۱۸. از ستون دوم بیت مناسب را برای موارد ستون اول انتخاب کنید (یک مورد در ستون دوم اضافه است).

الف) آب اجل که هست گلوگیر خاص و عام	ب) ☐	ز درد عشق تو دوشم امید صبح نبود	ب) ☐
بر حلق و بر دهان شما نیز بگذرد	ب) ☐	اسیر عشق چه تاب شب دراز آرد	ب) ☐
ب) ☐ الذهر یومان، یوم لک و یوم علیک	ب) ☐	آدمی چون تو در آفاق نشان نتوان داد	ب) ☐
ج) ☐ نه خدا توانمش خواند نه بشر توانمش گفت	ب) ☐	بلکه در جنت فردوس نباشد چو تو حور	ب) ☐
متحیرم چه نامم شه ملک لافتی را	ب) ☐	به سربلندی کاخ جلال و جاه مناز	ب) ☐
	ب) ☐	کز انقلاب زمان خاک گردد آخر کاخ	ب) ☐
	ب) ☐	بیا و برگ سفر ساز و زاد ره برگیر	ب) ☐
	ب) ☐	که عاقبت برود هر که او ز مادر زاد	ب) ☐

۴۱۹. مفهوم مشترک آیه و بیت زیر را بنویسید.

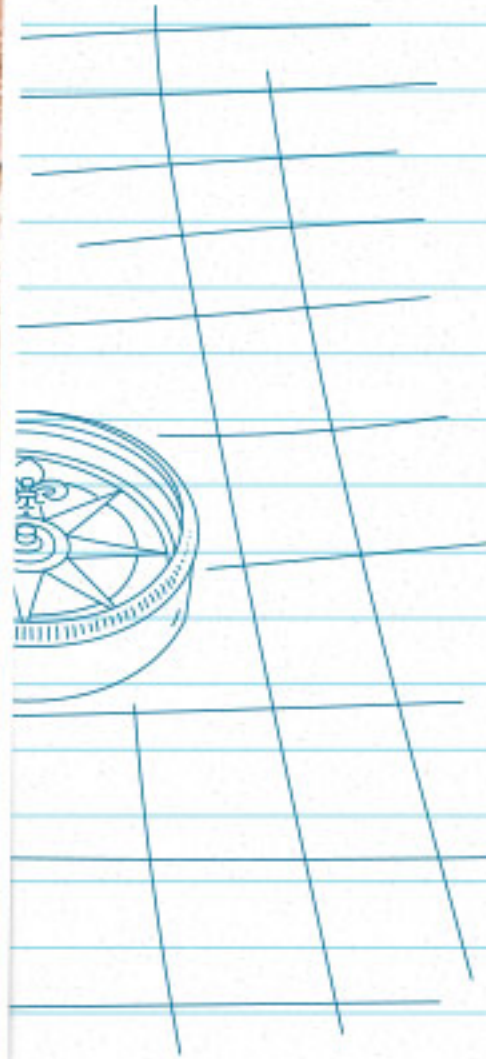
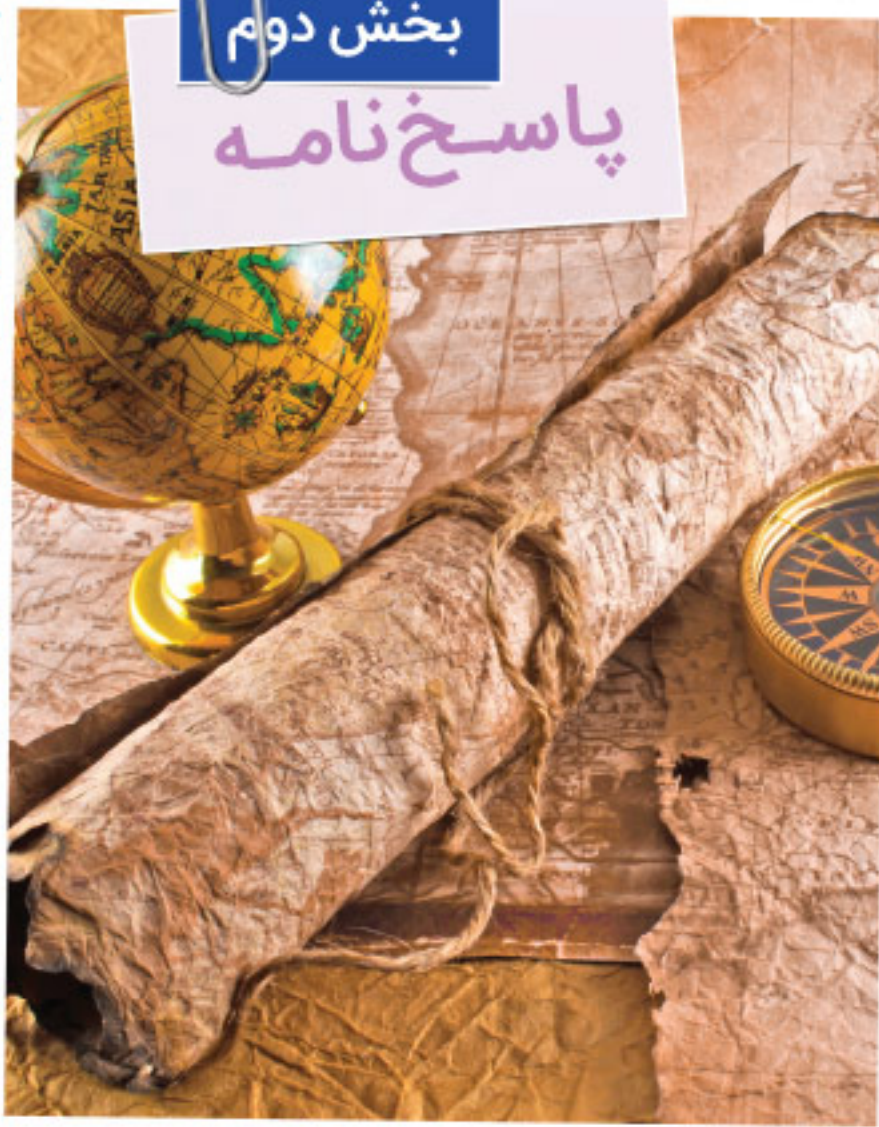
الف) «كُلُّ نَفْسٍ ذَائِقَةُ الْمَوْتِ»
ب) همه مرگ راییم پیرو جوان به گیتی نمائند کسی جاودان

۴۲۰. مفهوم درست را از داخل کمانک انتخاب کنید.

الف) ☐ شب تو حامل مرگ است و لاجرم یک روز زنی که حامله شد بچه را همی زاید
(رخ دادن مرگ در شب - استثنای پذیر مرگ - مرگ کودک تازه متولد شده)
ب) ☐ آبرو هرگز ندارد آن که در هر صبح و شام پیش دوتان پشت را بهر دو تان خم می کند
(رهایت عزت نفس - فواید قناعت - مضرات بی آبرویی)

بخش دوم

پاسخ نامه



پاسخ سؤالات درس ۵

۳۱۹. الف آنچه غیر از خداست، همه مخلوقات ب جغد

۳۲۰. الف سربلند، صاحب افتخار ب مشهور کند، سرشناس کند

۳۲۱. گزینه «ب». هما، افسانه‌ای نیست بلکه پرندۀ ای شکاری از راستۀ شکاریان است.

۳۲۲. واژه «رونق».

۳۲۳. خذلان به معنی مذلت و خواری است.

۳۲۴. الف گله ب سرنوشت

۳۲۵. الف دولت‌سرا، آشیانه خوشبختی ب نشانه

۳۲۶. واژه «طالع» مترادف با «بخت» است.

۳۲۷. الف ضمان ب زمان عجل ب اجل

۳۲۸. ابولعجایب ب ابوالعجایب / الم ب علم

۳۲۹. الف طبع (= سرشت) ب خذلان (مذلت، خواری)

۳۳۰. الف ماسوا ب طالع «تالع» در زبان فارسی اساساً وجود ندارد و چنین واژه‌ای نداریم!

۳۳۱. صیف فرغانی ب صیف فرغانی / مذلت و خاری ب مذلت و خواری

۳۳۲. الف در این بیت فعل «گشت» به معنی «به قتل رساند» است.

ب در این بیت «بکشت» به معنی «خاموش کرد» است.

۳۳۳. گزینه «ب». (از تحمل سپر بسازیم)

۳۳۴. فعل «آیی» گاهی اوقات، از جمله همین مصراع، در معنی اسنادی به کار می‌رود: چو در وقت بهار شوی پدیدار.

۳۳۵. الف اسنادی (شود) ب مسند

۳۳۶. الف به خدا قسم [می‌خورم]. حذف به قرینه معنایی صورت گرفته است. ب نشانه مفعول است.

۳۳۷. سه فعل محذوف به کار رفته که هر سه به قرینه معنایی حذف شده است: ۱ و ۲ «علی» و «همای رحمت» منادا هستند و هر جا منادا باشد یک فعل به قرینه معنایی حذف شده است. ۲ تو چه آیتی از خدا [هستی].

۳۳۸. گزینه «ب». «کاروان» نهاد است و باید ابتدای جمله بیاید: بسی کاروان زین کاروان سرای گذشت.

۳۳۹. آب اجل که گلوگیر خاص و عام هست.

یادآوری: هنگام مرتب کردن جملات کافی است نهاد جمله را در ابتدا و فعل را در آخر جمله بیاورید.

۳۴۰. بسی ب قید / شمع‌ها ب مفعول

۳۴۱. الف صفت ب قید

۳۴۲. الف مسند (آب اجل که گلوگیر خاص و عام هست) ب مفعول (سپر را بسازیم)

۳۴۳. مضاف‌الیه

۳۴۴. الف متمم ب مسند (ای [کسی که] مفتخر به طالع مسعود خویشتن هستی).

نکته: پیش‌تر خواندیم که گروه پس از حرف اضافه، متمم است. برخی از حروف اضافه به شکل جفتی و به اصطلاح مرکب می‌آیند و روی هم رفته یک حرف اضافه محسوب می‌شوند: «مانند: به جز، جز از، به جز از، غیر از، به غیر از، از پی، به نزد و...»

۳۴۵. الف مضارع التزامی ب مضارع التزامی (هر کس که عنان مرکبش را از بگیرد، بر در بخت بد فرود آید).

یادآوری: فعل مضارع گاهی اوقات بدون نشانه «می» یا «ب» می‌آید. تنها راه شناخت التزامی بودن یا اخباری بودن آن، معنی کردن جمله است. به مثال زیر توجه کنید:

«اگر حذف برای پرهیز از تکرار صورت گیرد آن را حذف به قرینه لفظی گویند.»

بگیرد ← مضارع التزامی می‌گویند ← مضارع اخباری

۳۴۶. الف «دل» منادا است و هر جا منادا باشد، یک فعل به قرینه معنایی حذف شده است. ب مسند «ی» در «خداشناسی» مخفف فعل اسنادی «هستی» است.

۳۴۷. دو عدد به تعداد فعل‌های مفعول‌پذیر، مفعول داریم. در این بیت دو فعل مفعول‌پذیر وجود دارد، پس دو مفعول هم داریم:

۱ در خانه علی را بزن ۲ نگین پادشاهی را به گدا می‌دهد.

مفعول فعل مفعول‌پذیر مفعول فعل مفعول‌پذیر

۳۴۸. الف «را» در این بیت نشانه مفعول است: آشنا را با پیام آشنایی بنوازد. ب حرف اضافه در معنی «به»: که نگین پادشاهی را از روی کرم به گدا بدهد.

۳۴۹. «را» ردیف این بیت است، در مصراع اول حرف اضافه در معنی «از» است: «تو چه آیتی از خدا هستی»، در مصراع دوم نشانه مفعول است: همه سایه هما را به ماسوا فکندی.

۳۵۰. الف قید «چه» به معنی «چرا» همیشه قید است. ب نهاد (ای شهریار! غم دل به دوست گفتن چقدر خوش است) ج متمم «(چو) به معنی «مثل» حرف اضافه است. د مفعول (پسری ابوالعجایب را بیاورد).

۳۵۱. الف از (آز، عنان مرکب هر کس را بگیرد...) ب مضاف‌الیه (عنان مرکب او را...)

نکته: درست است که بعد از «او» در «عنان مرکب او» نشانه مفعولی «را» می‌آوریم، اما باید حواسمان باشد که این نشانه، برای کل گروه است: یعنی نشانه «را» به ما گوشزد می‌کند که گروه «عنان مرکب او» مفعولی است، اما می‌دانیم که مطابق قانون «همه یا هسته» یا باید کل گروه، «عنان مرکب او» را مفعول بگیریم یا هسته گروه، یعنی کلمه «عنان» را مفعول بگیریم. به لحاظ دستوری اگر بخواهیم نقش دستوری «مرکب» و «او» را به تنهایی مشخص کنیم، چیزی جز «مضاف‌الیه» نیست.

۳۵۲. الف متمم «نزد» حرف اضافه است. ب اعتبار تو، نزد خدا و خلق، به قدر همت تو باشد.

۳۵۳. استعاره «کاروان سرا» استعاره از دنیا و «کاروان» در هر دو مصراع استعاره از عمر یا حکومت است.

توجه: در سؤالات انتخابی - مثل همین سؤال - نیازی به توضیح ندارید: بلکه برای گرفتن نمره کامل، کافی است که واژه مناسب را انتخاب کنید.

۳۵۴. استعاره

۳۵۵. تشبیه «تیر جور» اضافه تشبیهی است و اضافه‌های تشبیهی، نوعی تشبیه محسوب می‌شوند.

۳۵۶. مجاز. «خاص و عام» مجاز از همه انسان‌هاست.

۳۵۷. استعاره «رمه» استعاره از مردم، چوپان و شبان استعاره از حاکمان و گماشتگان یا مأموران حکومت است.

۳۵۸. در این بیت دو استعاره به کار رفته است: ۱ شیران استعاره از دلیران و پهلوانان ۲ سگان استعاره از انسان‌های پست و فرومایه



۳۵۹. استعاره - لب

۳۶۰. استعاره («باد» استعاره از مرگ است).

۳۶۱. گزینه «ب». زمانه («شمع» استعاره از انسان‌ها، «چراغدان» استعاره از زندگی یا عمر و «باد» استعاره از مرگ است).

۳۶۲. گزینه «ب». جناس تام^۱.

بررسی سایر گزینه‌ها: الف) استعاره: باد استعاره از مرگ است. ج) تشخیص: اثبات تشخیص داشتن این بیت کمی دشوار است. احتمالاً طراح به علت نسبت دادن «گشتن» به «باد» آن را تشخیص گرفته در حالی که «باد» استعاره از «مرگ» است و اثبات تشخیص داشتن جمله «مرگ انسان‌های زیادی را کشته است» کمی سخت است. د) مراعات‌نظیر: شمع و چراغدان

۳۶۳. الف) تشبیه («بوم محنت» اضافه تشبیهی است). ب) واج‌آرایی (تکرار صامت «د» و مصوت «ا»)

۳۶۴. الف) تلمیح (این بیت به باور گذشتگان، مبنی بر تأثیر گذاشتن ستارگان بر سرنوشت انسان، تلمیح دارد). ب) تضاد (شیر و سگ در این بیت تضاد مفهومی دارند). ج) تشبیه («آب اجل» اضافه تشبیهی است).

۳۶۵. عمر یا حکومت

۳۶۶. الف) اضافه استعاری (در اصل: «در خانه بخت» بوده است). ب) بر، دروهر ۳۶۷. تشبیه: بنای ظلم (اضافه تشبیهی) / استعاره: «بنا» در مصراع اول استعاره از ظلم است.

۳۶۸. بارگه و قصر

۳۶۹. الف) مجاز («نگین» مجاز از انگشتری است). ب) جناس (بین «عَلَم و عالم» جناس وجود دارد).

۳۷۰. گزینه «د».

بررسی تلمیح در سایر گزینه‌ها: الف) بیت به ماجرای خوابیدن حضرت علی (ع) در بستر پیامبر و به جای پیامبر در شب هجرت اشاره دارد. ب) به ماجرای ضربت خوردن حضرت علی (ع) و توصیه‌هایی که به اطرافیان مبنی بر خوشرفتاری با قاتل داشتند. ج) به آیه ۵۵ سوره مائده اشاره دارد (ولی شما تنها خدا و پیامبر اوست و کسانی که ایمان آورده‌اند همان کسانی هستند که نماز برپا می‌دارند و در حال رکوع زکات می‌دهند).

۳۷۱. در این بیت «نوازش دادن و نواختن نسیم صبحگاهی» تشخیص دارد و هر تشخیص، یک استعاره محسوب می‌شود.

۳۷۲. گزینه «د».

بررسی سایر گزینه‌ها: الف) تلمیح: به حدیث «لا فتی الا علی لا سیف الا ذوالفقار» اشاره دارد. ب) تشبیه: «ملک لافتی» (سرزمین جوانمردی) اضافه تشبیهی است. ج) کنایه: شه ملک لافتی کنایه از حضرت علی (ع) است.

۳۷۳. به ترتیب: قصیده - هفتم

۳۷۴. شهریار

۳۷۵. الف) به ترتیب: خداشناسی - علی ب) به ترتیب: گفت - لافتی

۳۷۶. الف) به جز از علی که آرد پسری ابوالعجایب ب) به پیام آشنایی بنوازد آشنا را

۳۷۷. ز نوای مرغ یاقق بشنو که در دل شب / غم دل به دوست گفتن چه خوش است شهریارا

۳۷۸. گزینه «الف».

۳۷۹. چو اسیر توست اکنون به اسیر کن مدارا

۳۸۰. گزینه «ب».

۳۸۱. الف) مرگ مانند بادی که با وزش خود مردمان را مانند شمع خاموش می‌کند، به سراغ شما نیز خواهد آمد و عمر شما را خواهد گرفت.

ب) مرگ که به سراغ همه انسان‌ها می‌آید، روزی شما را نیز فرا خواهد گرفت.

۳۸۲. الف) ما که قصر و بارگاه عدالت بودیم این ظلم و ستم نصیبمان شد، وای بر کاخ ظالمان که چه خواری و پستی‌ای به آن‌ها برسد. ب) غم و اندوه مانند جغد شوم ویرانگری است که به ما پسندیده نمی‌کند، شما را نیز خانه خراب می‌کند.

۳۸۳. الف) در دنیایی که عدالت افراد عادل باقی نمی‌ماند، ظلم شما ظالمان نیز ماندگار خواهد بود. ب) ای کسانی که به بخت خوب خود می‌نازید، این خوش اقبالی شما هم روزی تمام می‌شود.

۳۸۴. الف) در برابر ظلم شما، آن قدر تحمل می‌کنیم تا دوران بی‌رحمی و زورمندی شما نیز تمام شود. ب) ای کسی که مردم را به دست گماشتگان گرگ صفت و درنده‌خو سپردی، دوران گرگ‌صفتی و وحشی‌گری گماشتگان شما نیز تمام می‌شود.

۳۸۵. رمة: مردم / چوپان گرگ‌طبع: حاکمان درنده

۳۸۶. گزینه «ب».

۳۸۷. نادرست (این بیت به آیه «كُلُّ نَفْسٍ ذَائِقَةُ الْمَوْتِ» اشاره دارد. «موتوا قبل ان تموتوا» یعنی به مرگ اختیاری بمیرید، پیش از آن که مرگ طبیعی شما فرا برسد).

۳۸۸. گزینه «الف». مفهوم مشترک این دو بیت «ناپایداری ظلم و عدل» است.

۳۸۹. گزینه «ب». (هر کسی مرگ را می‌چشد) با بیت «ب» که می‌گوید اجل به سراغ «خاص و عام» می‌آید، تناسب بیشتری دارد).

۳۹۰. مرگ

۳۹۱. فراگیر بودن مرگ

۳۹۲. ناپایداری ایام حاکمان عصر (یا: ناپایداری دنیا و فراگیری مرگ)

۳۹۳. تأثیر آسمان و ستارگان بر سرنوشت انسان

۳۹۴. بوم یا جغد

۳۹۵. در برابر ستم مقاومت می‌کنیم تا آن روزی که دوران ستمگری شما به پایان برسد (یا هر مفهومی نظیر این).

۳۹۶. گزینه «الف». (معنی حدیث: روزگار دو روز است: یک روز با توست و یک روز علیه تو. این حدیث با بیت «الف» که بخت و اقبال را ماندگار نمی‌داند رابطه بهتری دارد تا بیت «ب» که به فراگیر بودن مرگ اشاره دارد).

۳۹۷. الف) بوم: نحوست و شومی و نامبارکی ب) سعادت و خوش‌بختی

۳۹۸. گزینه «الف». در بیت صورت سؤال، سخن از این است که نه عدل می‌ماند و نه ظلم (نه خوبی و نه بدی). در میان این دو گزینه بیت «الف» به ناپایداری خوبی و بدی بهتر اشاره دارد: شیران رفتند، شما سگ‌ها هم می‌روید.

۳۹۹. گزینه «ج». گزینه «الف» به تحمل کردن ظلم تا تمام شدن آن اشاره دارد و گزینه «ب» به گذرا بودن بخت و اقبال نیکو.

۴۰۰. ناپایداری اوضاع جامعه روزگار شاعر یا هر پاسخ مشابه

۴۰۱. بندگی کردن

۴۰۲. الف) همت معیار معتبر بودن است. ب) انسانی حریص، بدبخت می‌شود.

۴۰۳. ظلم و ستم

۱- یا «جناس تام» در درس چهاردهم همین کتاب آشنا می‌شویم.

پاسخ سؤالات درس ۶

۴۰۴. انوشیروان ساسانی

نکته: این بیت از یکی از قصاید مشهور خاقانی، شاعر قرن ششم، است که در سفر حج وقتی به ایوان کسری رسید، این قصیده را در نگویش دنیا و گذرا بودن آن سرود. این بیت از زبان انوشیروان است که در ادبیات به عدالت و عدل‌گستری مشهور بوده است و شاعر از زبان ویرانه‌های کاخ او می‌گوید: «اما بارگه دادیم».

۴۰۵. این موضوع که حضرت علی (ع) پس از ضربت خوردن به اطرافیان و فرزندان خود سفارش کرد که با قاتل (ابن ملجم مرادی) خوش‌رفتاری کنند.

۴۰۶. گزینه «ب»

۴۰۷. پیام آشنا: پیامی از طرف یار / آشنا: شهریار

۴۰۸. الف حافظ ب شوق و اشتیاق

۴۰۹. الف درد دل کردن ب وفای به عهد ج بخشش زیاد

۴۱۰. گزینه «الف». «لیلة المبيت» شبی است که حضرت علی (ع) در بستر پیامبر و به جای پیامبر آرمیدند تا دشمنان پیامبر نتوانند به ایشان آسیبی برسانند و پیامبر بدین گونه هجرت خود را از مکه به مدینه آغاز کردند. اگر این تفسیر از بیت را بپذیریم منظور از «دوست»، پیامبر است.

۴۱۱. گزینه «ب»، واژه «طالع» در این بیت به معنی «بخت» است. در «الف» نیز واژه «طالع» به کار رفته اما در این بیت به معنی «طلوع‌کننده» است: من به زیبایی تو، ماهی طلوع‌کننده ندیده‌ام.

۴۱۲. الف محنت (خفتگان خبر از محنت و سختی افراد بیدار ندارند). ب خذلان (امیدوارم میوه درخت حسودان تو، خذلان و بیچارگی باشد).

۴۱۳. الف مذلت (مذلت به معنی «خواری» مناسب عبارت است و نه «مزلت» به معنی گناه و لغزش) ب طبع (طبع به معنی «سرشت» و «تبع» به معنی «پیروان» است: طبع و سرشت پادشاهان مانند دیگران نیست).

۴۱۴. در بیت «الف»، «گشت» به معنی «به قتل رساندن» است، اما در «ب» به معنی «خاموش کرد» است: شمع را خاموش کرد.

۴۱۵. گزینه «ب». در این بیت «سرو» به معنی «یار و معشوق» به کار رفته و بنابراین استعاره است. اما در «الف» در معنی خود درخت سرو است: درخت سروی که در چمن است در برابر قامت معتدل تو، کوتاه و پست است.

۴۱۶. سه بیت. توضیح استعاره در ابیات:

الف «سخن گفتن سیل» تشخیص دارد و هر تشخیص یک استعاره است، در ضمن در مصراع دوم «خاکدان» استعاره از دنیا است. ب «گهر» در مصراع دوم استعاره از «وقت و زمان» است. ج «دامن سرو» و «مژده دادن صبا» تشخیص دارند و هر تشخیص یک استعاره محسوب می‌شود.

۴۱۷. الف استعاره («اختران» استعاره از دانه‌های اشک است). ب تشبیه («سرو قامت» اضافه تشبیهی است).

۴۱۸. الف بیا و برگ سفر ساز و زاده برگیر / که عاقبت برود هر که او ز مادر زاد (مفهوم مشترک: فراگیر بودن و استثنانپذیری مرگ) ب به سربلندی کاخ جلال و جاه مناز / کز انقلاب زمان خاک گردد آخر کاخ (مفهوم مشترک: ناپایداری جهان) ج آدمی چون تو در آفاق نشان نتوان داد / بلکه در جنت فردوس نباشد چو تو حور (مفهوم مشترک: بی‌مانندی و بی‌نظیری مخاطب)

۴۱۹. هم در آیه «الف» و هم در بیت «ب» به این مفهوم اشاره شده که «مرگ شامل همه انسان‌ها می‌شود».

۴۲۰. الف استثنانپذیری مرگ ب رعایت عزت نفس

۴۲۱. الف فرشته، فرشته پیام‌آور ب پیشگاه، محضر

۴۲۲. الف باد بهاری ب جعبه

۴۲۳. گزینه «الف». هوس

۴۲۴. در بیت نخست به معنی «امور مادی و مالی» است اما در بیت دوم به معنی زندگی است.

۴۲۵. صبا ← صبا («صبا» نام شهری است که بلقیس ملکه آن بود و «صبا» باد بهاری است که در شعر فارسی نماد پیک و قاصد است و در این بیت همین واژه مدنظر است).

۴۲۶. اصرار ← اصرار («اصرار» به معنی «پافشاری» مناسب این عبارت نیست بلکه «أصرار» به معنی «رازها» مورد نظر است).

۴۲۷. غبار راهگزار ← غبار راهگذار / حسن و ملاهت ← حسن و ملاحه («ملاحه» به معنی «بانمک بودن» از ریشه «ملح» به معنی «نمک» است و املای آن با «ح» درست است).

۴۲۸. الف بحر ← بحر (= برای) ب عاری ← آری

۴۲۹. الف متمم (ز روی لطف به او بگو که جا نگه دارد) ب مفعول (چرا غم دگران من را پریشان می‌کند).

یادآوری: همان طور که در ایستگاه زبانی این درس اشاره کردم، یافتن

نقش دستوری «ضمیر متصل» در شعر، نیازمند این است که ابتدا شعر را مرتب کنید. برای مرتب کردن نیز ابتدا نیاز است شعر را درست بخوانید و درست بفهمید. پس همه چیز به فهم ادبی شما برمی‌گردد. تا معنی یک جمله را درست متوجه نشویم، نمی‌توانیم آن را تحلیل دستوری کنیم.

۴۳۰. به ترتیب: متمم و مضاف‌الیه (وقتی به او گفتم که دل من رانگاه دار چه گفت...)

۴۳۱. گزینه «ج». «م» در «حاجتیم» مخفف فعل اسنادی «هستیم» است و «م» در «نگویم» شناسه فعل است. فقط در گزینه «ج» کلمه مشخص شده ضمیر متصل است و نقش آن مضاف‌الیه است:

«سرکشی‌های تو به یاد من آمد»

نکته: شناسه فعل و همین طور مخفف فعل‌های اسنادی را با

«ضمیر متصل» اشتباه نگیرید. «شناسه» بخش پایانی فعل است و شخص و شمار فعل را نشان می‌دهد. در نمونه زیر از مصدر «گفتن» شناسه‌ها، مشخص شده‌اند: گفتم، گفتی، گفت، گفتیم، گفتید، گفتند.

اگر قرار باشد فعل، ضمیر متصل بگیرد، بعد از شناسه می‌آید: گفتمش با مخفف‌های فعل اسنادی نیز که در درس‌های گذشته آشنا شدید، اما محض یادآوری، اینکه گاهی فعل‌های اسنادی هستم، هستی، ... را به صورت مخفف می‌آوریم و این‌ها را نباید با ضمیر متصل اشتباه گرفت:

خوشحالیم، خوشحالی، خوشحالیم، خوشحالید، خوشحالند

۴۳۲. الف مفعول (ببین که کجا تو را می‌فرستم) ب مضاف‌الیه (اگر هوای تو است که...)

۴۳۳. الف متمم (به تو حدیثی چون در گفتم) ب مفعول (خدا او را از بلا ننگه دارد).

۴۳۴. ضمیر «ت» در «فرشته‌ات» مفعول است: فرشته، تو را به دو دست دعا ننگه دارد.

۴۳۵. الف مفعول (ناگهان، او را یافتیم). ب متمم (اگر به من دل دهند). ج مضاف‌الیه (بر تیر جوهر شما ز تحمل سپر کنیم).